



# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام طراحان	نام درس	عمومی
محسن اصغری، حنیف افخمی ستوده، احسان برزگر، حسن پاسیار، ابراهیم رضایی مقدم، مریم شمیرانی، محسن فدایی، محمدجواد قورچیان، کاظم کاظمی، الهام محمدی، مرتضی منشاری، حسن وسکری	فارسی	
نوید امساک، هادی پولادی، محمد جهان‌بین، امیر رضایی رنجبر، مجید فاتحی، ابراهیم غلامی نژاد، مسعود محمدی، سیدمحمدعلی مرتضوی	عربی زبان قرآن	
محمد آقاصالح، ابوالفضل احدزاده، امین اسدیان پور، محسن بیانی، محمد رضایی بقا، علی فضلی خانی، مرتضی محسنی کبیر، سیداحسان هندی	دین و زندگی	
ناصر ابوالحسنی، حسن روحی، میرحسین زاهدی، حمید مهدیان	زبان انگلیسی	

نام طراحان	نام درس	اختصاصی
حسین اسفینی، محمد بحیرایی، کورش داودی، نیکو دکامین، حمیدرضا سجودی، علی شهبایی	ریاضی و آمار (۳)	
محمد بحیرایی، کورش داودی، نیکو دکامین، امیر زراندوز، حمیدرضا سجودی، نسترن صمدی	ریاضی و آمار (۱)	
نسرین جعفری، فاطمه حیاتی، علیرضا رضایی، سارا شریفی، مهسا عفتی، فاطمه فهیمیان	اقتصاد	
سیدعلیرضا احمدی، محسن اصغری، فرهاد علی نژاد، حمید محدثی	علوم و فنون ادبی (۳)	
منتخب از سؤال‌های کتاب آبی علوم و فنون ادبی جامع کنکور انسانی - پایه دهم، یازدهم و دوازدهم	علوم و فنون ادبی (۳) - آزمون شاهد (گواه)	
سیدعلیرضا احمدی، محسن فدایی، فرهاد علی نژاد، حمید محدثی، اعظم نوری نیا	علوم و فنون ادبی (۱)	
ابراهیم احمدی، نوید امساک، ولی برجی، سیدمحمدعلی مرتضوی، الهه مسیح‌خواه	عربی زبان قرآن (۳) و (۱)	
میلاد باغ شیخی، علی محمد کریمی، ملیحه گرجی، میلاد هوشیار	تاریخ	
محمدعلی خطیبی بایگی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی	جغرافیا	
آزیتا بیدقی، مبیناسادات تاجیک، ارغوان عبدالملکی	جامعه‌شناسی	
نیما جواهری، فرهاد قاسمی نژاد	منطق و فلسفه	
مهسا عفتی، مبیناسادات تاجیک، کوثر دستورانی، فرهاد علی نژاد، نصیبه کلانتری	روان‌شناسی	

## گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار
فارسی	محسن اصغری	محمدجواد قورچیان	مریم شمیرانی، مرتضی منشاری، حسن وسکری
عربی زبان قرآن	نوید امساک	نوید امساک	درویشعلی ابراهیمی
دین و زندگی	امین اسدیان پور، سیداحسان هندی	محمد رضایی بقا	سکینه گلشنی، محمدابراهیم مازنی
معارف اقلیت	دبورا حاتانیان	دبورا حاتانیان	_____
زبان انگلیسی	سپیده عرب	سپیده عرب	رحمت‌اله استیری، محدثه مرآنی
ریاضی و آمار (۳)	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملازمضانی
ریاضی و آمار (۱)	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملازمضانی
اقتصاد	سارا شریفی	فاطمه فهیمیان	مریم بوستان
علوم و فنون ادبی (۳)	حمید محدثی، فرهاد علی نژاد	حمید محدثی، فرهاد علی نژاد	مرتضی منشاری
علوم و فنون ادبی (۱)	حمید محدثی، فرهاد علی نژاد	حمید محدثی، فرهاد علی نژاد	مرتضی منشاری
عربی زبان قرآن (۳) و (۱)	سیدمحمدعلی مرتضوی	سیدمحمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی
تاریخ	میلاد هوشیار	میلاد هوشیار	پرینا ایزدی
جغرافیا	محمدعلی خطیبی بایگی	محمدعلی خطیبی بایگی	مریم بوستان
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	محمدابراهیم مازنی
منطق و فلسفه	نیما جواهری	نیما جواهری	مجید پیرحسینلو، فرهاد علی نژاد
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی نژاد، محمدابراهیم مازنی

## گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سیدمحمدعلی مرتضوی (اختصاصی)، الهام محمدی (عمومی)
مسئول دفترچه	زهره دامیار (اختصاصی)، معصومه شاعری (عمومی)
گروه مستندسازی	مدیر: فاطمه رسولی نسب، مسئول دفترچه: زهره قموشی (اختصاصی)، لیلا ایزدی (عمومی)
حروف چین و صفحه‌آرا	لیلا عظیمی (اختصاصی)، زهرا تاجیک (عمومی)
ناظر چاپ	سوران نعیمی

فارسی ۳

۸- (مرتضی منشاری - ارزبیل)

در گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» بر سعی و کوشش تأکید شده است اما در گزینه «۳»، سعی و تلاش را گاهی مؤثر و گاهی بی‌ثمر می‌داند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: برای ساز زندگی باید تلاش و کوشش کرد.  
گزینه «۲»: در هستی و نیستی همه جا سعی و کوشش وجود دارد؛ به دلیل تلاش گیاه است که ثمر او زیر خاک نمی‌رود و بیرون می‌آید.  
گزینه «۳»: همه قفل‌ها و مشکلات با سعی و کوشش باز و گشوده نمی‌شود و گاهی تعلل و درنگ ثمربخش است.

گزینه «۴»: در عین بی‌برگی، به واسطه سعی و کوشش برگ و نوای زیادی داریم.

(فارسی ۳، مفهوم ۳، صفحه ۱۸)

۹- (مریم شمیرانی)

این که محتسب خود نیز اهل شراب‌خواری است پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۳» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: اگر محتسب شیشه می‌را بشکند، جزایش را خواهد دید.  
گزینه «۲»: به محتسب بگو شهنه را خبر نکند که من حتی از پادشاه هم نمی‌ترسم.  
گزینه «۴»: هر چند محتسب در میخانه را ببندد، شراب بوی خود را به سرمستان می‌رساند.

(فارسی ۳، مفهوم ۳، صفحه ۲۱)

۱۰- (مسئله اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط: قدم نهادن در طریق عشق و گذشتن از وجود موجب کمال بخشی است.

معنی و مفهوم بیت گزینه «۳»: گاهی از درد عشق به دنبال زیبارویان رفته و گاهی از روی حرص به دنبال علم کیمیا رفته.

(فارسی ۳، مفهوم ۳، صفحه ۲۲)

فارسی ۱

۱۱- (مسئله اصغری)

در گزینه «۲» معنی سه واژه درست است:  
«بنشن: خواربار از قبیل نخود و لوبیا و عدس» در سایر گزینه‌ها معنای دو واژه درست است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم / سودایی: عاشق، شیفته، شیدا  
گزینه «۳»: تسلأ: آرامش یافتن / گلّه: برآمدگی پشت پای اسب  
گزینه «۴»: وُصلت: پیوند، پیوستگی / خلف: جانشین، فرزند (خلف صدق: جانشین راستین)

(فارسی ۱، لغت، ترکیبی)

۱۲- (مهمربواز قورهبان)

تصحیح املائی ابیات:

الف) غزا ← قضا / بی‌قوله ← بی‌غوله

ب) غذاری ← غذاری / فراقت ← فراغت

(فارسی ۱، املا، ترکیبی)

۱- (مسئله اصغری)

معنی درست واژه‌ها:

ب) باسق: بلند، بالیده

د) وظیفه: مقرری، وجه معاش

ه) وجه: ذات، وجود

(فارسی ۳، لغت، ترکیبی)

۲- (مرتضی منشاری - ارزبیل)

املائی درست واژه‌ها:

گزینه «۲»: بهر (برای) ← بحر (دریا)

گزینه «۳»: ثواب (پاداش) ← صواب (مصلحت، درست)

گزینه «۴»: غربت (دوری) ← قربت (نزدیکی)

(فارسی ۳، املا، ترکیبی)

۳- (غنیف افغمی ستوره)

بیت (د): واج‌آرایی (نغمه حروف): صامت (ر) / بیت (ب): نگران ایهام دارد: (۱) دلواپس، (۲) نگاه کننده/ بیت (الف): تضاد: خواب و بیداری/ بیت (ج): «خرقه تجرید» اضافه تشبیهی است.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۴- (مسئله پاسیار - لاهیجان)

در بیت (ب): دست سبو: تشخیص / «سر و در»: جناس  
در بیت (ج): شاعر علت غروب خورشید را در هر روز، حسادت بردن به چهره یار دانسته است (حسن تعلیل) / «سیر انداختن» کنایه از «تسلیم شدن»  
در بیت (الف): «بتان»: استعاره، اما ایهام وجود ندارد.  
در بیت (د): «پیر و تیر»: جناس / پارادوکس در این بیت دیده نمی‌شود.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۵- (امسان برزگر - رامسر)

مصراع اول که مرتب و مشخص است (مستی: نهاد / نشئه: مفعول / ایام: مضاف‌الیه برای نشئه / طفل: مضاف‌الیه برای ایام) و مرتب شده مصراع دوم چنین است:

مگر مهتاب امشب در قدح ما شیر ریخت  
قید نهاد قید متمم مضاف‌الیه مفعول  
«را» در مصراع دوم از نوع فک اضافه است (قدح ما) / ما: مضاف‌الیه

(فارسی ۳، دستور، ترکیبی)

۶- (مسئله وسکری - ساری)

بیت (الف): ۱- (نشان + ت) را از که جویم.

بیت (ب): ۲- به دامن (وصل + ت)، ۳- (دست + م) نمی‌رسد.

بیت (ج): ۴- صنمی لشکری (دل + م) را غارت کرد آه اگر عاطفت شاه، ۵- (دست + م) را نگیرد.

بیت (د): اگر در ۶- (سر + م) سروری نیست غمی نیست، هر دم از غم، ۷- (عشق + م) به دل بانگ و سرور می‌آید.

(فارسی ۳، دستور، ترکیبی)

۷- (غنیف افغمی ستوره)

در باقی گزینه‌ها «می‌گشت» فعل اسنادی است اما در گزینه «۱» یعنی «حرکت می‌کرد».

(فارسی ۳، دستور، صفحه ۲۰)

۱۹- (کافم کافمی)  
مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط: اسرار انسان‌ها را در اشعار و سخنان آن‌ها می‌توان می‌یافت (سخن یا شعر هر کسی بیانگر اندیشه‌ها و اسرار درونی اوست).  
مفهوم بیت گزینه «۴»: شاعر به اصالت خانوادگی خود افتخار می‌کند اما از این‌که این موضوع را بیان کرده است، شرمسار است.  
(فارسی، مفهوم، صفحه ۳۵)

۲۰- (کافم کافمی)  
مفهوم مشترک ابیات مرتبط: «اسرار عشق و محبت را فقط باید با عاشقان و عارفان در میان گذاشت زیرا هرکس شایسته محرم بودن برای حفظ رموز عشق نیست.»  
مفهوم بیت گزینه «۳»: با وجود تعلقات و دلبستگی‌های نفسانی، رسیدن به قرب الهی، ناممکن است.  
(فارسی، مفهوم، صفحه ۵)

عربی، زبان قرآن ۱ و ۳

۲۱- (ابراهیم غلامی نژاد)  
«إِنَّ اللَّهَ: قطعاً، بی شک، همانا، بی گمان خداوند / «يَحِبُّ الَّذِينَ: کسانی را دوستی می‌دارد / «يقاتلون»: مبارزه می‌کنند، می‌جنگند / «فی سبیله»: در راه او / «صفاً»: صف در صف، یکپارچه / «كأنهم»: مثل این‌که، گویی ایشان / «بنیان مَرصُوع»: ساختمانی استوار  
(ترجمه)

۲۲- (هاری پولاری - تبریز)  
«سوف تَعْلَمُ الْآيَاتِ»: روزها به تو خواهند آموخت (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۴) / «الثروة الحقيقية»: ثروت حقیقی (واقعی) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أَنْ تملك»: مالک شوی (داشته باشی) (رد گزینه ۴) / «قلوب مَنْ حولك»: دل‌های کسانی را که در اطرافت هستند / «مِنَ أصدقائك و جيرانك»: از دوستان و همسایگان (رد گزینه‌های ۱ و ۲)  
(ترجمه)

۲۳- (مهمد بهان‌بین - قاننات)  
ادات پرسشی «لِمَ»: چرا، برای چه، به چه خاطر، «لاتفوز بالعلم»: دانش بدست نمی‌آوری (فازب: به دست آوردن = حصل علی = اكتسب) (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، «تطلب»: می‌خواهی (رد گزینه ۴)، «به»: برایش؛ «أيداً»: جایگزین‌هایی، جانشین‌هایی (رد گزینه‌های ۳ و ۴)؛ «ألم تعلم»: آیا ندانسته‌ای / آیا ندانستی (رد گزینه‌های ۱ و ۴)؛ «أَنْ»: که؛ «أهل العلم»: دانشمندان؛ «أحياء»: زنده‌اند؛ «وإن»: گرچه، هر چند؛ «ماتوا»: مرده باشند / بمیرند  
(ترجمه)

۲۴- (مهیر فاطمی - کامیاران)  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: (راست می‌گویی) / «صَدَقَ» در باب تفعیل معنی «باور کرد» می‌دهد!  
گزینه «۲»: جشن گرفتند، نامیدند  
گزینه «۴»: آن  
(ترجمه)

۱۳- (مسن خرابی - شیراز)  
واژه «تار» ایهام تناسب دارد، معنای نزدیک: «تار مو» که کاربرد دارد و معنای دور: «تاریک» که کاربرد ندارد ولی با «شب» تناسب دارد.  
واژه «لاله» ایهام تناسب دارد، معنای نزدیک: «گل لاله» که کاربرد دارد و معنای دور: «نوعی چراغ پایه‌دار» که کاربرد ندارد ولی با «روشن» تناسب دارد.  
واژه «ماه» ایهام تناسب دارد، معنای نزدیک «قمر» که کاربرد دارد و معنای دور: «ماه سی روز» که کاربرد ندارد ولی با «هفته» تناسب دارد.  
«چراغ لاله» اضافه تشبیهی است.  
«چون دو هفته ماه» (ماه دو هفته) تشبیه است.

(فارسی، آرایه، ترکیبی)

۱۴- (الهام مهمدی)  
«سر» مجاز از «اندیشه» / تشبیه ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «هلال و هلال» تکرار/ جناس همسان (تام): «ماه» مصراع اول «واحد اندازه‌گیری زمان برابر با یک‌دوازدهم سال» و «ماه» در مصراع دوم «استعاره از معشوق»  
گزینه «۲»: «تیغ و سنان» استعاره از «مشکلات و دشواری‌ها» / «خیمه برون زدن» کنایه از «بیرون ساکن شدن» و «سرایرده را خارج از میدان جنگ برپا کردن»  
گزینه «۳»: تشبیه: «سینه سپر ساختن» / مراعات‌نظیر: «سپر، تیر، شست»

(فارسی، آرایه، ترکیبی)

۱۵- (مسن خرابی - شیراز)  
که میان گریه و میان گوسفندان صلح است: «که در این بیت «واو» عطف است.  
ولی در بقیه بیت‌ها «واو» حرف ربط است.

(فارسی، دستور، صفحه ۳۱)

۱۶- (مربح شمیرانی)  
گزینه «۳» واژه دو تلفظی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: رستگار: دو تلفظی  
گزینه «۲»: یادگاران: دو تلفظی  
گزینه «۴»: جاودان، استوار: دو تلفظی

(فارسی، دستور، صفحه ۵۷)

۱۷- (مسن وسکری - ساری)  
مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینه «۴» این است که در عرفان اسلامی برای وجود مادی انسان اعتباری قائل نیستند و در حقیقت اساس هستی خداست. «وجود مادی انسان» مانع وصال اوست. شرط اساسی برای رسیدن به وصال، پشت پا زدن به جسم و گذشتن از وجود مادی اوست.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: مفهوم بیت ستایش عرفان و رسیدن به خدا از راه دل  
گزینه «۲»: مفهوم بیت «مشارکت مردانه داشتن در امری»  
گزینه «۳»: مفهوم بیت: عرفان انسان را به درجات والا می‌رساند (ستایش عرفان)  
(فارسی، مفهوم، صفحه ۳۹)

۱۸- (ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)  
مفهوم بیت صورت سؤال ترجیح خدمت‌گزاری خداوند بر خدمت‌گزاری مردم است. مقابل این مفهوم را می‌توان از بیت گزینه «۳» دریافت کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: مناعت طبع داشتن و بی‌نیازی از خلق  
گزینه «۲»: پر خطر بودن ریا یا ترسیدن از افراد ریاکار  
گزینه «۴»: عیب و ایراد نگرفتن از دیگران / نادیده گرفتن عیب دیگران  
(فارسی، مفهوم، صفحه ۵۸)

۳۰- (امیر رضائی رنپیر)  
دست یافتن به سنگ‌های اصلی مانند یاقوت و غیره، دشوار است! (درست).  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: ترجمه عبارت: سه نوع سنگ قیمتی وجود دارد!  
گزینه «۲»: ترجمه عبارت: سنگ‌های قیمتی طبیعی در بازارها دیده نمی‌شوند!  
گزینه «۳»: ترجمه عبارت: اگر سنگ نزدیک سطح زمین یافت شود، گران‌قیمت نیست! (درک مطلب)

۳۱- (امیر رضائی رنپیر)  
شرایط در ایجاد رنگ‌های زیبا در سنگ مؤثرتر هستند! (نادرست).  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: ترجمه عبارت: ممکن است یاقوت را در بیشتر محل‌های زمین و قاره‌های آن بیابیم!  
گزینه «۲»: ترجمه عبارت: عواملی وجود دارند که در به‌کارگیری سنگ‌های قیمتی تأثیر می‌گذارند، به جز زیبایی!  
گزینه «۳»: ترجمه عبارت: بعضی از مردم سنگ‌های مصنوعی را برای زیبایی و آراستن استفاده می‌کنند!  
گزینه «۴»: ترجمه عبارت: بعضی از مردم سنگ‌های مصنوعی را برای زیبایی و آراستن استفاده می‌کنند!  
(درک مطلب)

۳۲- (امیر رضائی رنپیر)  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: «حروفه الأصلیة: ت ث ر» نادرست است. سه حرف اصلی آن، «أ ث ر» است.  
گزینه «۲»: «مصدره: تأثر» نادرست است. فعل از باب تفعیل است و مصدر آن، «تأثیر» است.  
گزینه «۳»: «للمخاطب، حرفان زائدان» نادرست است. «تؤثر» مفرد مؤنث غایب و دارای یک حرف زائد (از باب تفعیل) است. «فعل و فاعله محذوف» نادرست است.  
(تعلیل صرفی و محل اعرابی)

۳۳- (امیر رضائی رنپیر)  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: «للمجم» نادرست است. «یستخرج» مفرد مذکر غایب است.  
گزینه «۲»: «حرفان زائدان» نادرست است. «یستخرج» از باب استفعال و دارای سه حرف زائد است.  
گزینه «۳»: «مصدره: تخرج» نادرست است. مصدر آن، «استخراج» است.  
(تعلیل صرفی و محل اعرابی)

۳۴- (نویز امساکلی)  
«جُتال» اشتباه و شکل درست آن «جُتال» (جمع مکسر «جاهل»: نادان) می‌باشد. همچنین با توجه به ترجمه عبارت، فعل «علموا» امر است و صحیح آن به صورت «علموا» است، نه «علموا».  
(ضبط حرکات)

۳۵- (مسعود مسمری)  
«تجلی»: جلوه‌گر شد، نمود یافت، فعل لازم و «کتم»: پنهان کرد، فعل متعدی است. واژه مناسب که متضاد «تجلی» باشد، فعل «إخفتی»: پنهان شد، است.  
(مفهوم)

۲۵- (ابراهیم غلامی نزار)  
«لا نصبر»: ما نباید پافشاری کنیم؛ «علی نقاط الخلاف و علی العداوة»: بر نقاط اختلاف و دشمنی؛ «لا ینتفع به أحد»: کسی از آن بهره‌مند نمی‌شود؛ «و علینا»: بر ما واجب است، ما باید؛ «أن نتعایش تعایشاً سلمياً»: با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز کنیم، با یکدیگر با مسالمت زندگی کنیم.  
(ترجمه)

۲۶- (مبیر فاطمی - کامیاران)  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: «لاجتمع: جمع نمی‌شود»  
فعل باب افتعال معمولاً به صورت «لازم» ترجمه می‌شود!  
گزینه «۲»: «یاد دهید»  
فعل (غلم) در باب تفعّل به معنی (یاد گرفتن) است.  
ترجمه درست عبارت: دانش را بیاموزید و با آن آرامش بیاموزید!  
گزینه «۳»: «قطع نکردم»  
باب انفعال به صورت «لازم» ترجمه می‌شود.  
ترجمه عبارت: امیدم از خداوند قطع نشد!  
(ترجمه)

۲۷- (مهمربهان بین - قاننات)  
**تشریح گزینه‌های دیگر**  
گزینه «۱»: ترجمه «إن» (قطعاً) باید در ابتدای جمله فارسی باشد.  
گزینه «۲»: ترکیب وصفی «أمكنة بعيدة» نکره است لذا باید (جاهای دوری) ترجمه می‌شود؛ و نیز فعل مضارع (یأخذ: می‌برد) به اشتباه ماضی ترجمه شده است.  
گزینه «۳»: کان + ینس = ماضی بعید = ناامید شده بودند  
(ترجمه)

۲۸- (مسعود مسمری)  
«ای معلم عزیزمان»: یا معلمنا عزیز (رد گزینه ۲) / «به ما یاد بده»: علمنا (رد گزینه‌های ۱ و ۴)  
(ترجمه)

**ترجمه متن:**  
انواع زیادی از سنگ‌های قیمتی وجود دارند که با رنگ‌هایی مختلف و شکل‌هایی گوناگون دیده می‌شوند، از جمله آن‌ها، عقیق و فیروزه و یاقوت است! گفته می‌شود که هرکدام از آن‌ها فایده‌هایی دارند، ولی بسیاری از مردم از آن‌ها به‌خاطر زینت و زیبایی استفاده می‌کنند، همان‌طور که در انگشترها یا برخی نگاره‌ها آن‌ها را می‌بینی! این سنگ‌ها از نظر شرایطی که در آن قرار می‌گیرند یا عناصری که در ایجاد آن‌ها دخالت می‌کنند، فرق دارند، مورد آخر در پدیده رنگ‌های مختلف بیشتر از بقیه اثر می‌گذارد. بعضی از این سنگ‌ها نزدیک به سطح زمین یافت می‌شوند، مانند یاقوت و برخی در عمق‌های زیاد. ممکن است این سنگ‌ها را در بازار ببینیم در حالی که غیرطبیعی هستند مانند یاقوت مصنوعی، زیرا سنگ اصلی در طبیعت کمیاب است و در آفریقا، آسیا و استرالیا بیشتر از هر مکان دیگری استخراج می‌شود!

۲۹- (امیر رضائی رنپیر)  
«الکرمیة» در خط اول متن به معنی «الکرمیة» (ارزشمند، قیمتی) است.  
(درک مطلب)

(مرتضی مسمنی کبیر)

۴۲-

عقیده به توانایی پیامبر اکرم و اولیای دین در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم، اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند به اذن خدا بدانیم عین توحید است و عبارت قرآنی «فَأَتَّخِذْتُمْ مِنْ دُونِهِ آلِيَاءَ: آیا غیر از او (خداوند) سرپرستانی گرفته‌اید؟» بیانگر شرک در ولایت است.

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه‌های ۲۲ و ۲۴)

(علی فضل‌فانی)

۴۳-

بیت «خشک ابری که بود ز آب تپه/ ناید از وی صفت آب‌دهی» بیانگر مقدمه دوم استدلال نیازمندی جهان به خدا در پیدایش است که مطابق با آن، پدیده‌ها که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد (قائم به ذات باشد) و با بیت «ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما/ تو وجود مطلق، فانی‌نما» که به نیازمندی جهان به خدا در مرحله پیدایش اشاره می‌کند، ارتباط معنایی دارد.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه‌های ۷ و ۱۰)

(امین اسراییل‌پور)

۴۴-

علی (ع) می‌فرماید: «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار (رب) منی ...»

(دین و زندگی ۳، درس ۲، صفحه ۱۸)

(ممد رضا یی‌نقا)

۴۵-

طبق حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «افضل العبادة امانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ و فی قدرته: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.» اندیشه زمانی می‌تواند برترین عبادت باشد که مستمر و در مورد صفات الهی باشد، نه درباره ذات و چیستی خدا.

اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به‌صورت اعمال ظاهر می‌شود. پس تجلی و ظهور اندیشه، در اعمال انسان است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه‌های ۲ و ۱۳)

(ممد رضا یی‌نقا)

۴۶-

واژه «رب» در قرآن کریم از اهمیت فراوانی برخوردار است و بعد از واژه «الله» بیشترین فراوانی را در میان اسمای الهی دارد. پس بیشترین تکرار اسمای الهی در قرآن کریم، مربوط به کلمه «الله» است. انسان با طی مراتب بندگی می‌تواند به اذن خداوند به مقام داشتن کرامات و عنایات به مخلوقات برسد. برای قبول توحید در ربوبیت ضرورتی ندارد که هرگونه اثر را از اشیا و یا انسان‌ها سلب کنیم. می‌توان با قبول اثر مخلوقات، این اثر را از خداوند بدانیم، نه مستقل و بی‌نیاز از خدا.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه‌های ۲۰، ۲۵ و ۲۶)

(مسن بیاتی)

۴۷-

این‌که انسان بتواند با هرچیزی خدا را ببیند معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می‌آید، اما هدفی قابل دسترس است به‌خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم به‌یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه ۱۳)

(ممد یهوان‌بین - قاننات)

۳۶-

در گزینه «۱» فعل «تصدَّق» از باب تفعیل و «یتصدَّقون» از باب تفعّل؛ در گزینه «۲» فعل «بفرَّق» از باب تفعیل و فعل «ثُضِل» از باب افعال؛ در گزینه «۳»: هر دو فعل از باب افعالند و مصدرهایشان (إساءة و إصرار) و در گزینه «۴» فعل «أدبَت» از باب تفعیل و فعل «تأدبَت» از باب تفعّل است.

(قواعد فعل)

(سیرممد علی مرتضوی)

۳۷-

ترجمه عبارت: از کیفم مدادی به رنگ آبی خارج کردم برای نوشتن نامه: «أُخْرِجْتُ»

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: این دختر گل را برمی‌دارد و شاخه‌اش را می‌برد!

گزینه «۲»: پدیده‌ای اتفاق افتاد که همه مردم را در شهر حیران کرد!

گزینه «۴»: کاش شما با این هم‌کلاسی‌های قدیمی در فصل تابستان نامه‌نگاری کنید!

(قواعد فعل)

(مسعود ممدری)

۳۸-

«تَصَوَّر» مصدر از باب تفعّل است، نه فعل ماضی و فعل مزید «بیتلی» نیز مضارع است.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب «قَبَّح»، «إِسْتَرَح» و «تَجَمَّعُوا» فعل ماضی از مزید هستند.

(قواعد فعل)

(هاری پولادی - تبریز)

۳۹-

در گزینه «۱»: «تَعَلَّمَ» / در گزینه «۲»: «اتَّحَاد و اجتماع» / در گزینه «۴»: «تَوَكَّل و توسل» مصدر باب مزید است.

دقت کنید که در گزینه «۳»: «تَكَلَّمَ» فعل مضارع از باب تفعیل و صیغه مفرد مذکر مخاطب است.

(قواعد فعل)

(هاری پولادی - تبریز)

۴۰-

در گزینه «۱»: «لعلّ» به معنی (شاید، امید است) خبر از عدم تحقق کامل می‌دهد/ در گزینه «۲»: «علیک» معنی امر را رسانده و هنوز خبر از تحقق کامل فعل نیست / در گزینه «۳»: «لیت» به معنی (ای کاش) بوده و آرزویی است که هنوز محقق نشده است. / در گزینه «۴»: زمان فعل‌ها هر دو ماضی بوده و خبر از تحقق کامل فعل می‌دهند.

(قواعد فعل)

## دین و زندگی ۳

(ممد رضا یی‌نقا)

۴۱-

نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

رؤیت خداوند با چشم مادی، چه در دنیا و چه در آخرت غیرممکن است. بیت «به بینندگان آفریننده را / نبینی، مرجان دو بیننده را» به ناتوانی چشم در رؤیت خدا اشاره دارد که با عبارت «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» مرتبط است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

(مهمم رضایی‌نقا)

۵۴-

یکی از پیامدهای اعتقاد به معاد، این است که انسان معتقد، ترسی از مرگ ندارد. همین عامل (نهراسیدن از مرگ)، سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله‌ی عالی آن برسد. امام حسین (ع) خطاب به یاران خود می‌فرماید: «مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام‌یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟» در این کلام، دنیا به ساحل سختی‌ها و زندان تشبیه شده است.

(دین و زندگی، ۳، درس ۴، صفحه ۴۱)

(مهمم آقامصالح)

۵۵-

افرادی که اعتقاد به معاد در آن‌ها به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند. دسته‌ای از منکران معاد، می‌کوشند راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرند. روشن است که این شیوه عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

(دین و زندگی، ۳، درس ۴، صفحه ۴۳)

(سیدامسان هنری)

۵۶-

آیات ۷۸ و ۷۹ سوره یس بیانگر استدلال امکان معاد با اشاره به پیدایش نخستین انسان است و خداوند در انتهای این آیه می‌فرماید: «... او به هر خلقتی داناست.»

(دین و زندگی، ۵، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

(مهمم رضایی‌نقا)

۵۷-

در برخی آیات قرآن، از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند، می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. خداوند در آیه ۹ سوره فاطر می‌فرماید: «خداست که باها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین‌گونه است.»

(دین و زندگی، ۵، درس ۵، صفحه ۵۴)

(علی فضلی‌فانی)

۵۸-

قرآن کریم در آیه ۶۴ سوره عنکبوت: «و ما هذه الحیة الدنیا إلا لهو و لعب و إن الدار الاخرة لهی الحیوان لو کانوا یعلمون»: هرگز نمی‌خواهد با تعبیر «و ما هذه الحیة الدنیا لهو و لعب» ارزش مواهب الهی در این جهان را نفی کند بلکه می‌خواهد با یک مقایسه صریح و روشن ارزش زندگی این دنیا در برابر زندگی آخرت را مجسم سازد و علاوه بر این به انسان هشدار دهد که اسیر مواهب الهی این دنیا نباشد بلکه امیر بر آن‌ها گردد و هرگز ارزش‌های اصیل وجود خود را با آن‌ها معاوضه نکند.

(دین و زندگی، ۴، درس ۴، صفحه ۴۰)

(مسنن بیاتی)

۵۹-

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد. از این‌رو خداوند وعده داده است که هر کس را به آن‌چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند این موضوع در آیه شریفه زیر بیان شده است: «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار»

(دین و زندگی، ۵، درس ۵، صفحه ۵۵)

(مرتضی مسنی‌کبیر)

۶۰-

در این آیه خداوند به صورت استفهام انکاری، صادق القول بودن خویش را بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا: و چه کسی در سخن از خدا راست‌گوتر است؟»

(دین و زندگی، ۵، درس ۵، صفحه ۵۵)

(مهمم آقامصالح)

۴۸-

با گفتن (اقرار) عبارت «لا اله الا الله» تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود و دفاع از حقوق او به دیگر مسلمانان واجب می‌گردد و در زمرة برادران و خواهران دینی قرار می‌گیرد. پایبندی (التزام) به این جمله، همه زندگی فرد مسلمان را در رابطه با خدا، خویشستن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌دهد.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه ۱۹)

(علی فضلی‌فانی)

۴۹-

این‌که «خداوند تنها مرجع رفع نیازهاست که همه از او قصد و طلب می‌کنند» از دقت در عبارت شریفه «اللَّهُ الصَّمَد: خداوند بی نیاز و برطرف‌کننده نیاز دیگران است» دریافت می‌گردد.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه ۲۲)

(مهمم رضایی‌نقا)

۵۰-

خداوند خودش پریش «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» را مطرح می‌سازد و خودش نیز پاسخ می‌دهد که «قُلْ اللَّهُ» یعنی انتظار پاسخ از مشرکان ندارد. زیرا مشرکان و بت‌پرستان گرفتار شرک در ربوبیت، ولایت و عبودیت شده‌اند. این پریش نشانه گرفتاری به شرک در ولایت است و انتهای آیه که می‌فرماید: «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ: با آن‌ها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند که [آن شریکان هم] مثل خداوند آفرینشی داشته‌اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است. [و از این‌رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اند ...]، بیانگر شرک در عبودیت در عین نادرست پنداشتن شرک در خالقیت است. پس بت‌پرستان توحید در خالقیت را قبول دارند.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

### دین و زندگی ۱

(امین اسیران‌پور)

۵۱-

خداوند متعال در سوره مطفین می‌فرماید: «وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان. همان‌ها که روز جزا را انکار می‌کنند. تنها کسی آن را انکار می‌کند که متجاوز و گناهکار است.»

(دین و زندگی، ۵، درس ۵، صفحه ۵۶)

(مرتضی مسنی‌کبیر)

۵۲-

در دیدگاه الهی نسبت به مرگ، زندگی دنیوی هم‌چون خوابی کوتاه و گذار بوده و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می‌شود. آن‌گونه که پیامبر (ص) می‌فرماید: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا: مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می‌شوند.»

(دین و زندگی، ۴، درس ۴، صفحه ۳۹)

(ابوالفضل امیرزاده)

۵۳-

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند. در این دیدگاه مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد.

قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدنیا نَمُوتُ وَنَحیا و ما یهلکنا إلا الدهر و ما لَهمْ بذلک من علم إن لَهمْ إلا یظنون: [کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است.»

(دین و زندگی، ۴، درس ۴، صفحه ۴۲)

زبان انگلیسی ۱ و ۳

۶۱-

(ممدیر مهربان - کاشان)

ترجمه جمله: «تیم به موفقیت در سال‌های آینده ادامه خواهد داد چرا که اخیراً اقدامات مثبتی توسط مربیان برای جذب (افراد) مستعد از سراسر جهان صورت پذیرفته است.»

نکته مهم درسی

با توجه به معنی جمله، در جای خالی اول چون پیش‌بینی بر اساس شواهد انجام می‌شود نیاز به ساختار "be going to" داریم (رد گزینه‌های ۲ و ۴). در جای خالی دوم، با توجه به نقش مفعولی "steps" (به معنای اقدامات) برای فعل "take" نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های ۳ و ۴).

(گرمایر)

۶۲-

(میرمسین زاهدی)

ترجمه جمله: «الف: سام کارش را به‌تازگی از دست داده است و به دنبال کار جدیدی می‌گردد.»

«ب: چرا از کارش اخراج شد؟ آیا کار اشتباهی مرتکب شد؟»

نکته مهم درسی

جمله در وجه مجهول است، زیرا که «سام» (مرجع ضمیر "he") در نقش مفعول برای فعل "fire" به معنی «اخراج کردن» به کار رفته است. این جمله مجهول در حالت سؤالی در زمان گذشته ساده است (این اتفاق در گذشته رخ داده است.) و طبق ساختار «was / were + object + p.p.» گزینه «۲» درست است.

(گرمایر)

۶۳-

(ممدیر مهربان - کاشان)

ترجمه جمله: «با وجود این دیدگاه رایج که آن‌ها به انسان‌ها آسیب نمی‌زنند، از سال ۱۹۹۰ صدها نفر به وسیله شیرها در تانزانیا کشته شده‌اند.»

نکته مهم درسی

از آن‌جا که نقش "people" برای فعل "kill" مفعولی است، به ساختار مجهول نیاز داریم (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). هم‌چنین، باید میان فاعل و فعل کمکی از نظر تعداد تناسب وجود داشته باشد (رد گزینه «۴»).

(گرمایر)

۶۴-

(ناصر ابوالمنسنی - کاشان)

ترجمه جمله: «دلیل دیگری برای اهدای اثاثیه شما به خیریه این است که شما می‌توانید در ازای کمکتان، در [پرداخت] مالیات تخفیف بگیرید.»

(۱) تأسیس کردن (۲) احترام گذاشتن (۳) اهدا کردن (۴) غذا دادن

(واژگان)

۶۵-

(ممدیر مهربان - کاشان)

ترجمه جمله: «تشکیل چندین کارگاه به مدت دو روز چالش بزرگی برای دانشگاه ما بود، اما خوشبختانه همه چیز طبق برنامه پیش رفت.»

(۱) برنامه (۲) فشار (۳) نیرو (۴) موفقیت

(واژگان)

۶۶-

(میرمسین زاهدی)

ترجمه جمله: «بعد از سال‌ها جابه‌جایی از شهری به شهری دیگر، پدر تصمیم گرفت در این شهر کوچک اقامت کند، با این ادعا که او دریافته بود که با مردم ساکن این‌جا فصل مشترک زیادی دارد.»

(۱) طبیعت (۲) جامعه (۳) عام، عادی، رایج، مشترک (۴) خویشاوند

نکته مهم درسی

عبارت "have sth in common" به معنی «فصل مشترک داشتن» است.

(واژگان)

۶۷-

(ناصر ابوالمنسنی - کاشان)

ترجمه جمله: «[شهر] سانفرانسیسکو در اثر زلزله شدیدی لرزید، که به همراه آتش‌سوزی‌ای که در پی آن رخ داد، تقریباً شهر را کاملاً نابود کرد.»

(۱) نابود کردن (۲) لذت بردن (۳) محافظت کردن (۴) حفظ کردن

(واژگان)

۶۸-

(ناصر ابوالمنسنی - کاشان)

ترجمه جمله: «او در خیابان زندگی می‌کند و شگفت‌انگیزترین نقاشی‌ها را در نمایش‌ها و افتتاحیه‌های هنری در سطح شهر می‌فروشد.»

(۱) شگفت‌انگیز (۲) مجروح (۳) داوطلبانه (۴) بادقت

(واژگان)

۶۹-

(ناصر ابوالمنسنی - کاشان)

ترجمه جمله: «اما، برخلاف مادر و پدرت، معلم انگلیسی‌ات احتمالاً شما را بی‌قید و شرط دوست ندارد و برای رفتار تو را تنبیه می‌کند.»

(۱) به‌طور شگفت‌انگیز (۲) مؤدبانه (۳) ناگهانی (۴) بی‌قید و شرط

(واژگان)

۷۰-

(ممدیر مهربان - کاشان)

ترجمه جمله: «از آن‌جا که آن گزارش حاوی اشتباهات دستوری و غلط‌های املائی بی‌شماری بود، سردبیر آن را نپذیرفت.»

(۱) کهن (۲) قابل‌شمارش (۳) شرمنده (۴) بی‌شمار

(واژگان)

۷۱-

(میرمسین زاهدی)

ترجمه جمله: «الف: شما همیشه به فکر این هستید که آن‌چه را که او در حقتان کرده است تلافی کنید.»

«ب: حق با شماست، اما متأسفانه، من کسی نیستم که ببخشم و فراموش کنم.»

(۱) بخشیدن (۲) به‌خاطر سپردن (۳) پاسخ دادن (۴) وقف کردن

(واژگان)

**ترجمه متن کلوزتست:**

بعضی اوقات، فکر می‌کنیم والدین مان جلوی خوشبختی مان را می‌گیرند و بسیاری از ما در دوره‌ای، به‌خصوص وقتی که هنوز نوجوان بودیم، عصبانگری علیه آن‌ها را تجربه کرده‌ایم. با این حال، نباید فراموش کنیم که آن‌ها قصد دارند از ما در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت کنند. در این‌جا چند نکته برای کمک به شما در زمینه رفتار مناسب‌تر نسبت به والدین تان ارائه شده است. از ابراز سیاس‌گذاری خجالت نکشید، زیرا آن‌ها شایسته دوست داشتن و تکریم هستند. آغوش و بوسه‌های شما نشان می‌دهد که چه قدر قدرتان داشتن آن‌ها هستید. شما قطعاً با برخی از تصمیماتی که به‌وسیله والدین تان گرفته می‌شوند، مخالفید. بیان افکار تان را امتحان کنید، اما اگر استدلال شما را نمی‌پذیرند، به تصمیم آن‌ها احترام بگذارید.

۷۲- (عمیر مهریان - کاشان)

- (۱) نوجوان  
(۲) شرط، وضعیت  
(۳) احساس، عاطفه، هیجان  
(۴) بشر، انسان

(کلوزتست)

۷۳- (عمیر مهریان - کاشان)

**نکته مهم درسی**

برای بیان قصد انجام کاری در آینده نزدیک از ساختار «going to + فعل to be» استفاده می‌کنیم (رد گزینه «۲»). هم‌چنین، دقت کنید که پس از فعل وجهی «will» همیشه شکل ساده فعل می‌آید (رد گزینه «۳»). به‌علاوه، مصدر با «to» پس از ترکیب «will be» به کار نمی‌رود (رد گزینه «۱»).

(کلوزتست)

۷۴- (عمیر مهریان - کاشان)

- (۱) توصیف کردن  
(۲) تجربه کردن  
(۳) شایستگی داشتن  
(۴) آزمایش کردن

(کلوزتست)

۷۵- (عمیر مهریان - کاشان)

**نکته مهم درسی**

صفت «grateful» به‌معنای «قدردان» با حروف اضافه «to» و «for» می‌آید.

(کلوزتست)

۷۶- (عمیر مهریان - کاشان)

**نکته مهم درسی**

از آن‌جا که نقش «decisions» برای فعل «make» مفعولی است، به ساختار مجهول نیاز داریم (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). هم‌چنین، با توجه به جمع بودن واژه «decisions»، نمی‌توانیم از شکل مفرد فعل «be» استفاده کنیم (رد گزینه «۴»).

(کلوزتست)

**ترجمه متن درک مطلب:**

روز بعد از روز شکرگزاری، شروع فصل خرید تعطیلات است. شکرگزاری همیشه پنجشنبه است، بنابراین روز بعد، جمعه است. این روز به‌عنوان «جمعه سیاه» شناخته شده است. [این روز] از سال ۲۰۰۵ شلوغ‌ترین روز خرید سال بوده است. نام «جمعه سیاه» اولین بار در دهه ۵۰ در فیلادلفیا استفاده شد. پلیس این روز را به‌دلیل ترافیک سنگینی که به‌وجود می‌آورد، «جمعه سیاه» نامید. بیش‌تر فروشگاه‌ها معاملات خوبی را در جمعه سیاه پیشنهاد می‌دهند. این فروشگاه‌ها در ساعات اولیه صبح ورودی‌هایشان را باز می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند با [دادن] تخفیف‌های زیاد خریداران را جذب کنند. برخی اقلام، مانند تلویزیون، بسیار ارزان‌تر از معمول است. حتی ممکن است فروشگاه‌ها روی این اقلام ضرر مالی بدهند. آن‌ها امیدوارند که خریداران هنگام حضور در فروشگاه، هدایایی را برای افراد دیگر خریداری خواهند کرد.

جمعه سیاه زمان بسیار خوبی برای خرید است. مشکل این است که اقلام ارزان قیمت به اندازه کافی برای همه وجود ندارند. ممکن است هر فروشگاه فقط تعداد کمی از آن اقلام را داشته باشد. این اقلام متقاضی زیادی دارد، بنابراین مردم ممکن است ساعت‌ها قبل از باز شدن یک فروشگاه صف بکشند. ممکن است امیدوار باشند که یک تلویزیون یا لپ‌تاپ ارزان قیمت بخرند، اما همه کسانی که قصد تهیه یکی از این اقلام را دارند [موفق به] خرید نمی‌شوند. برخی از افراد با ناامیدی [فروشگاه را] ترک خواهند کرد.

این وضعیت می‌تواند نگران‌کننده باشد. برخی از رویدادهای جمعه سیاه با خشونت همراه بوده است. حتی برخی از کارگران به‌خاطر ازدحام زیاد جمعیت صدمه دیده‌اند. بر سر اسباب‌بازی‌ها یا افرادی که نوبت را در صف رعایت نکرده‌اند، دعوایی به پا شده است. با این حال، بیش‌تر رویدادهای جمعه سیاه بی‌خطر و سرگرم‌کننده هستند. با این وجود، اگر قصد رفتن [به خرید] را دارید، انتظار ازدحام جمعیت و کمی هل دادن را داشته باشید.

۷۷-

(فسن رومی - بهشهر)

ترجمه جمله: «کدام‌یک از موارد زیر به‌وسیله متن پشتیبانی نمی‌شود؟»

«جمعه سیاه، تعطیلی عمومی است.»

(درک مطلب)

۷۸-

(فسن رومی - بهشهر)

ترجمه جمله: «اطلاعات کافی در متن برای جواب دادن به کدام‌یک از سؤالات زیر وجود دارد؟»

«نام جمعه سیاه از کجا آمده است؟»

(درک مطلب)

۷۹-

(فسن رومی - بهشهر)

ترجمه جمله: «هدف نویسنده از نوشتن پاراگراف آخر چیست؟»

«برای این‌که تأکید کند اگرچه جمعه سیاه می‌تواند نگران‌کننده باشد، می‌تواند بی‌خطر و سرگرم‌کننده هم باشد.»

(درک مطلب)

۸۰-

(فسن رومی - بهشهر)

ترجمه جمله: «بهترین عنوان برای این متن چیست؟»

«جمعه سیاه: فرصتی برای صرفه‌جویی پول در یک روز بزرگ»

(درک مطلب)

ریاضی و آمار (۳)

-۸۶

(عمیر رضا سفوری)

$$\frac{(n-1)!}{(n-1-2)!} = \frac{4}{3} \times \frac{n!}{2!(n-2)!}$$

$$\Rightarrow \frac{(n-1)!}{(n-3)!} = \frac{4}{3} \times \frac{n(n-1)!}{2(n-2)(n-3)!} \Rightarrow 1 = \frac{2n}{3(n-2)}$$

$$\Rightarrow 3n - 6 = 2n \Rightarrow n = 6$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶ تا ۱۱)

-۸۷

(عمیر رضا سفوری)

تعداد زیرمجموعه‌های  $r$  عضوی یک مجموعه  $n$  عضوی برابر با  $\binom{n}{r}$  می‌باشد. پس:

$$\binom{n}{2} = 36 \Rightarrow \frac{n!}{(n-2)! \times 2!} = 36$$

$$\Rightarrow \frac{n(n-1)(n-2)!}{(n-2)! \times 2!} = 36$$

$$\Rightarrow n(n-1) = 72 \Rightarrow n(n-1) = 9 \times 8 \Rightarrow n = 9$$

$$\text{تعداد زیرمجموعه‌های ۶ عضوی} = \binom{9}{6} = \frac{9!}{3! \times 6!} = \frac{9 \times 8 \times 7 \times 6!}{3 \times 2 \times 1 \times 6!} = 84$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

-۸۸

(کوروش داوری)

رقم ۸ را از اعداد کنار می‌گذاریم، پس ۵ رقم ۷, ۶, ۳, ۲, ۰ را داریم. ۰ و ۲ را یک بسته به صورت ۲۰ در نظر می‌گیریم.

$$4! = 4 \times 3 \times 2 \times 1 = 24$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

-۸۹

(تیکو رکامین)

از بین ارقام داده شده به ۴ صورت می‌توان ۳ رقم را انتخاب کرد:

$$\binom{4}{3} = \frac{4 \times 3!}{3! \times 1!} = 4$$

$$\begin{cases} D_1 = \{2, 3, 5\} \\ D_2 = \{3, 5, 7\} \\ D_3 = \{2, 3, 7\} \\ D_4 = \{2, 5, 7\} \end{cases}$$

برای بخش‌پذیری یک عدد بر ۳ باید مجموع ارقام آن بر ۳ بخش‌پذیر باشد.

از بین مجموعه‌های  $D_1, D_2, D_3, D_4$  فقط مجموع اعداد مجموعه‌های  $D_2$  و  $D_3$  بر ۳ بخش‌پذیر است. با ۳ عدد نیز بنا بر قانون ضرب می‌توان  $3 \times 2 \times 1 = 6$  عدد ۳ رقمی بدون تکرار ارقام نوشت:  $2 \times 6 = 12$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

-۹۰

(کوروش داوری)

تعداد کل مهره‌ها  $= 5 + 3 + 2 = 10$

$$n(S) = \binom{10}{2} = \frac{10!}{8! \times 2!} = \frac{10 \times 9 \times 8!}{8! \times 2!} = \frac{10 \times 9}{2 \times 1} = 45$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

(مهمبر بهیرایی)

-۸۱

برای رسم مثلث باید یک نقطه از خط  $L_1$  و دو نقطه از خط  $L_2$  یا یک نقطه از خط  $L_2$  و دو نقطه از خط  $L_1$  به‌عنوان رأس‌ها انتخاب کنیم. بنابراین:

$$\text{تعداد مثلث‌ها} = \binom{4}{1} \times \binom{5}{2} + \binom{5}{1} \times \binom{4}{2} = 4 \times 10 + 5 \times 6 = 40 + 30 = 70$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

(مهمبر بهیرایی)

-۸۲

مطابق مسیر زیر باید رفت و برگشت:

$$A \xrightarrow{\text{راه ۳}} B \xrightarrow{\text{راه ۴}} C \xrightarrow{\text{راه ۳}} B \xrightarrow{\text{راه ۲}} A$$

$$\Rightarrow 3 \times 4 \times 3 \times 2 = 72$$

دقت کنید که در برگشت از C به B یک مسیر کم می‌شود و به همین ترتیب از B به A نیز یک مسیر کم می‌شود.

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

(هسین اسفینی)

-۸۳

با توجه به شرایط مسئله باید به یک نفر ۲ جایزه و به دو نفر دیگر، هر کدام ۱ جایزه داد. ابتدا ۲ جایزه از ۴ جایزه را به  $\binom{4}{2}$  طریق انتخاب و سپس

یکی از ۳ نفر را به  $\binom{3}{1}$  حالت انتخاب کرده که ۲ جایزه را به وی بدهیم. سپس ۲ جایزه باقی‌مانده را به ۲! حالت به ۲ نفر باقی‌مانده تحویل می‌دهیم:

$$\binom{4}{2} \times \binom{3}{1} \times 2! = \frac{4!}{2! \times 2!} \times 3 \times 2 = \frac{24}{2} \times 3 = 12 \times 3 = 36$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

(علی شهرایی)

-۸۴

تعداد کل حالات که با ۵ نفر صف تشکیل می‌دهیم  $5! = 120$  است.

حالا حالت‌هایی که فائزه و کیانا در صف کنار هم هستند را حساب می‌کنیم:

$$\boxed{a, b, c} \Rightarrow 4! \times 2! = 48$$

$$4! \times 2!$$

الآن کافی است تعداد کل حالات را منهای حالت‌هایی کنیم که فائزه و کیانا کنار هم هستند:  $120 - 48 = 72$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

(عمیر رضا سفوری)

-۸۵

چهار رقم فرد ۵, ۳, ۷ و ۹ را یک بسته و سه رقم ۲ را نیز یک بسته در نظر

گرفته و داریم: (جمعاً ۳ شیء داریم)  $\boxed{5, 3, 7, 9}, \boxed{2, 2, 2}, 6$

چهار رقم فرد چون متمایز هستند دارای ۴! جایگشت بوده اما ارقام ۲ چون تکراری بوده و تغییر جا نقشی ندارد تنها یک جایگشت دارد، پس:

$$4! \times 3! = (4 \times 3 \times 2 \times 1) \times (3 \times 2 \times 1) = 144$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

ریاضی و آمار (۱)

-۹۱

(معمد بهیرایی)

حقوق فن‌ورز را  $x$  میلیون تومان در نظر می‌گیریم؛ بنابراین:

$$\frac{9}{4}x = \text{حقوق مدیر} \Rightarrow \frac{2}{3}x = \frac{3}{2}x \Rightarrow \text{حقوق مدیر} = \frac{2}{3}x = \frac{3}{2}x$$

$$6x + 3 \times \frac{2}{3}x + 2 \times \frac{3}{2}x = 45$$

$$\Rightarrow 15x = 45 \Rightarrow x = 3$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۳)

-۹۲

(معمد بهیرایی)

(مساحت مثلث + مساحت مستطیل) - مساحت مربع = مساحت هاشورنخورده

$$\Rightarrow 128 = (6x)^2 - (x \times 3x + \frac{2x \times x}{2})$$

$$\Rightarrow 36x^2 - (3x^2 + x^2) = 128$$

$$\Rightarrow 32x^2 = 128 \Rightarrow x^2 = 4 \xrightarrow{x>0} x = 2$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

-۹۳

(کوروش داوری)

راه‌حل اول:

$$(x-1)(2x+1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x-1=0 \Rightarrow x=1 \\ 2x+1=0 \Rightarrow 2x=-1 \Rightarrow x=-\frac{1}{2} \end{cases}$$

$$\Rightarrow x_1 + x_2 = 1 - \frac{1}{2} = \frac{2-1}{2} = \frac{1}{2}$$

راه‌حل دوم: اگر معادله درجه دو  $ax^2 + bx + c = 0$  دارای دو ریشه

باشد، آنگاه مجموع ریشه‌ها از رابطه  $x_1 + x_2 = -\frac{b}{a}$  به‌دست می‌آید.

$$(x-1)(2x+1) = 2x^2 + x - 2x - 1 = 0 \Rightarrow 2x^2 - x - 1 = 0$$

$$x_1 + x_2 = -\frac{b}{a} = -\frac{-1}{2} = \frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

-۹۴

(مهمیدرضا سفوری)

به بررسی گزینه‌ها می‌پردازیم:

$$\text{گزینه «۱» : } x^2 - 2\sqrt{2}x + 2 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = (-2\sqrt{2})^2 - 4(1)(2) = 8 - 8 = 0$$

$$\text{گزینه «۲» : } x^2 - \sqrt{3}x + 1 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = (-\sqrt{3})^2 - 4(1)(1) = 3 - 4 = -1 < 0$$

$$\text{گزینه «۳» : } 3x^2 - \frac{2}{3}x - \frac{1}{9} = 0 \Rightarrow \Delta = (-\frac{2}{3})^2 - 4(3)(-\frac{1}{9})$$

$$= \frac{4}{9} + \frac{12}{9} = \frac{16}{9} > 0$$

$$\text{گزینه «۴» : } 2x^2 - x + \sqrt{6} = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = (-1)^2 - 4(2)(\sqrt{6}) = 1 - 8\sqrt{6} < 0$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

-۹۵

(امیر زرااندوز)

نکته: در معادله درجه دو  $ax^2 + bx + c = 0$  به شرط آن که  $\Delta > 0$

باشد، مجموع ریشه‌ها از  $S = \frac{-b}{a}$  و حاصل ضرب ریشه‌ها از  $P = \frac{c}{a}$

به‌دست می‌آید.

$$\frac{1}{4}x^2 - \frac{3}{2}x - \frac{2}{5} = 0 \Rightarrow \begin{cases} a = \frac{1}{4} \\ b = -\frac{3}{2} \\ c = -\frac{2}{5} \end{cases}$$

$$S = \frac{-b}{a} = \frac{-(-\frac{3}{2})}{\frac{1}{4}} = \frac{3 \times 4}{2 \times 1} = 6$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

-۹۶

(نسترن صمدی)

$$mx + 1 = \frac{m+1}{x} \xrightarrow{\text{به شرط } x \neq 0} mx^2 + x = m + 1$$

$$\Rightarrow mx^2 + x - m - 1 = 0$$

نکته: در معادله درجه دو  $ax^2 + bx + c = 0$  به شرط  $\Delta > 0$  مجموع

ریشه‌ها از  $-\frac{b}{a}$  و حاصل ضرب ریشه‌ها از  $\frac{c}{a}$  به‌دست می‌آید.

$$P = \frac{-m-1}{m} = -3 \Rightarrow -m-1 = -3m$$

$$\Rightarrow m = \frac{1}{2}$$

$$S = \frac{-1}{m} = \frac{-1}{\frac{1}{2}} = -2$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

-۹۷

(نیکو دکامین)

مخرج مشترک می‌گیریم تا به یک کسر مساوی صفر برسیم، کسری مساوی صفر است که صورت آن صفر باشد.

$$\frac{x-4}{(x-1)(x^2+x+1)} + \frac{1}{(x-1)(x+4)} = 0$$

$$\Rightarrow \frac{(x-4)(x+4) + (x^2+x+1)}{(x-1)(x+4)(x^2+x+1)} = 0$$

$$\Rightarrow \frac{x^2 - 16 + x^2 + x + 1}{(x-1)(x+4)(x^2+x+1)} = 0$$

$$\Rightarrow \frac{2x^2 + x - 15}{(x-1)(x+4)(x^2+x+1)} = 0 \Rightarrow 2x^2 + x - 15 = 0$$

$$\Delta = 1 - 4 \times 2 \times (-15) = 121 \Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{-1 + \sqrt{121}}{4} = 2/5 \\ x_2 = \frac{-1 - \sqrt{121}}{4} = -3 \end{cases}$$

هر دو جواب قابل قبول‌اند.

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۴)

اقتصاد

۱۰۱- (فارج از کشور ۹۳، با تغییر)  
الف) چگونگی تصمیم‌گیری و اقدام هریک از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نیز واکنش آن‌ها نسبت به تغییرات وضعیت اقتصادی با عنوان «رفتار اقتصادی» شناخته می‌شود.  
ب) با کاهش قیمت یک کالا، میزان مصرف یا خرید آن از سوی مصرف‌کنندگان غالباً افزایش می‌یابد.  
ج) قیمت یک کالا با میزان تولید و عرضه آن از سوی تولیدکنندگان رابطه مستقیم دارد.  
د) در حالت کمبود (فزونی تقاضا بر عرضه) قیمت بالا می‌رود و فاصله بین عرضه و تقاضا کاهش می‌یابد.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۰۲- (فاطمه فهیمیان)  
در وضعیت تعادل مقدار تقاضا و عرضه با هم برابر است. تنها در گزینه «۲» در سطح قیمت مشخص شده (۳۰۰ ریال)، میزان تقاضا و عرضه با هم برابر است. (مقدار تقاضا: ۱۵۰ کیلو = مقدار عرضه: ۱۵۰ کیلو)  
(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۱۰۳- (فاطمه فیاتی)  
الف) سطح قیمت ۱۸,۰۰۰ تومان که به ازای آن، مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر می‌باشند (۳۰ کیلو)، قیمت تعادلی است. در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار با کمبود عرضه (مازاد تقاضا) روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در سطح قیمت ۱۷,۰۰۰ تومان، ۱۰ کیلو کمبود عرضه (مازاد تقاضا) وجود دارد.  $۳۵ - ۲۵ = ۱۰$  کیلو  
ب) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی در بازار با کمبود تقاضا (مازاد عرضه) روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در سطح قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان، ۲۵ کیلو کمبود تقاضا (مازاد عرضه) وجود دارد.  $۴۵ - ۲۰ = ۲۵$  کیلو  
ج) در سطح قیمت ۲۳,۰۰۰ تومان، تولیدکنندگان ۵۰ کیلو از کالا را تولید و عرضه می‌کنند، در حالی که تقاضاکنندگان تنها برای ۱۵ کیلو از کالا تقاضا دارند، در نتیجه در این سطح قیمت حداکثر پرداختی مصرف‌کنندگان برابر است با:  $۲۳,۰۰۰ \times ۱۵ = ۳۴۵,۰۰۰$  تومان

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۷)

۱۰۴- (سارا شریفی)  
تشریح عبارات نادرست:  
الف) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی با مازاد عرضه روبه‌رو می‌شویم. در این حالت چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی کمتر به فروش برسانند؛ در نتیجه قیمت کم می‌شود.  
ب) در کالاهای ضروری شیب منحنی تقاضا زیاد و کشش قیمتی تقاضا (یعنی عکس‌العمل مصرف‌کننده در برابر قیمت) کم است.  
ج) تصمیم مصرف‌کنندگان در مورد مصرف کالا از عواملی مانند قیمت کالا، درآمد، سلیقه خودشان، تبلیغات و قیمت سایر کالاها تأثیر می‌پذیرد.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۹۸- (کوروش داودی)

$$\frac{x+1}{x-1} - \frac{x^2}{(x-1)(x+1)} = -1 \Rightarrow \frac{(x+1)^2 - x^2}{x^2 - 1} = \frac{-1}{1}$$

$$\Rightarrow x^2 + 2x + 1 - x^2 = -x^2 + 1$$

$$\Rightarrow x^2 + 2x = 0 \Rightarrow x(x+2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = 0 \\ x + 2 = 0 \Rightarrow x = -2 \end{cases}$$

هر دو جواب قابل قبول اند. دو جواب نامثبت‌اند.

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۴۹ تا ۵۴)

۹۹- (ممیرضا سموری)

$$2x - \frac{2k}{x} = -1 \xrightarrow{x=-1} -2 - \frac{2k}{-1} = -1 \Rightarrow -2 + 2k = -1$$

$$\Rightarrow 2k = 1 \Rightarrow k = \frac{1}{2}$$

$$k = \frac{1}{2} \Rightarrow 2x - \frac{2(\frac{1}{2})}{x} + 1 = 0 \Rightarrow 2x - \frac{1}{x} + 1 = 0 \xrightarrow{x \neq 0}$$

$$2x^2 - 1 + x = 0$$

$$2x^2 + x - 1 = 0 \Rightarrow x = \frac{-1 \pm \sqrt{(1)^2 - 4(2)(-1)}}{2 \times (2)}$$

$$= \frac{-1 \pm \sqrt{9}}{4} = \frac{-1 \pm 3}{4} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = -1 \\ x_2 = \frac{1}{2} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۴۳ تا ۵۴)

۱۰۰- (ممیرضا سموری)

$$2x^2 - 4kx - k - 1 = 0 \xrightarrow{x=-\frac{1}{2}} 2(-\frac{1}{2})^2 - 4k(-\frac{1}{2}) - k - 1 = 0$$

$$\Rightarrow \frac{1}{2} + 2k - k - 1 = 0 \Rightarrow k - \frac{1}{2} = 0 \Rightarrow k = \frac{1}{2}$$

$$\xrightarrow{k=\frac{1}{2}} 2x^2 - 2x - \frac{1}{2} - 1 = 0 \Rightarrow 2x^2 - 2x - \frac{3}{2} = 0$$

$$\xrightarrow{+2} 4x^2 - 4x - 3 = 0$$

$$(x - (-\frac{1}{2}))(x - \frac{3}{2}) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = -\frac{1}{2} \\ x = \frac{3}{2} \end{cases}$$

$$\Rightarrow \text{قدر مطلق تفاضل ریشه‌ها} = \left| -\frac{1}{2} - \frac{3}{2} \right| = 2$$

(ریاضی و آمار، (۱)، معادله درجه دو، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۸)

۱۰۵-

(کتاب آبی)

در سطح قیمت بالاتر از نقطه تعادلی به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان به تولید بیشتر می‌پردازند در حالی که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف کالا تمایل نشان نمی‌دهند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: منحنی **D** مقادیر تقاضا و منحنی **S** نشان‌دهنده مقادیر عرضه می‌باشد.

گزینه «۲»: در بازار هنگامی کمبود عرضه اتفاق می‌افتد که قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد، در نتیجه گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد.

گزینه «۳»: صعودی بودن منحنی عرضه به این معناست که با افزایش قیمت، مقدار عرضه افزایش خواهد یافت و در مقابل با کاهش قیمت، مقدار عرضه نیز کاهش می‌یابد.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۰۶-

(نسرین معفری)

در بازار هنگامی «کمبود عرضه (مازاد تقاضا)» اتفاق می‌افتد که قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد. در نتیجه، گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد. این گروه برای خرید کالا حاضرند مبلغ بیشتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود. افزایش قیمت باعث می‌شود که از یک سو، تولیدکنندگان به تولید رغبت بیشتری نشان دهند و از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان از مصرف خود بکاهند؛ در نتیجه در حالت کمبود، قیمت زیاد می‌شود. این افزایش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن، فاصله عرضه و تقاضا از بین برود و تعادل در بازار برقرار شود.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۱۰۷-

(فاطمه فویمیان)

الف) با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش و مقدار عرضه افزایش می‌یابد؛ بنابراین مقادیر **X** میزان عرضه و مقادیر **Y** میزان تقاضا را نشان می‌دهند. ب) در نقطه تعادلی میزان عرضه و تقاضا برابر است بنابراین در این سؤال قیمت تعادلی ۵۰۰ ریال و میزان عرضه و تقاضای تعادلی ۳۵۰ کیلو است.

ج) در قیمت ۷۰۰ ریال میزان عرضه برابر با ۵۰۰ کیلو و میزان تقاضا ۲۰۰ کیلو است بنابراین:

کیلو  $۳۰۰ = ۵۰۰ - ۲۰۰ =$  میزان مازاد عرضه در قیمت ۷۰۰ ریال

د)

کیلو  $۳۵۰ =$  مقدار تقاضای تعادلی

مازاد تقاضا در قیمت ۳۰۰ ریال

مقدار عرضه در قیمت ۳۰۰ - مقدار تقاضا در قیمت ۳۰۰ =

کیلو  $۳۰۰ = ۵۰۰ - ۲۰۰ =$  مازاد تقاضا در قیمت ۳۰۰ ریال

مازاد تقاضا در قیمت ۳۰۰ ریال - مقدار تقاضای تعادلی

کیلو  $۵۰ = ۳۵۰ - ۳۰۰ =$

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۰۸-

(موسا عفتی)

در نقطه **A** قیمت بیش‌تر، ولی تقاضا کم‌تر است.

منحنی تقاضا از چپ به راست نزولی است و رابطه آن با قیمت کالا، معکوس است.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۱۰۹-

(علیرضا رضایی)

الف) سطح قیمت ۱۰۰ تومان که به ازای آن، مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر می‌باشند (۳۰۰ کیلو)، قیمت تعادلی است. در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار با مازاد تقاضا (کمبود عرضه) روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در سطح قیمت ۷۵ تومان، ۲۰۰ کیلو مازاد تقاضا (کمبود عرضه) وجود دارد.

کیلو  $۲۰۰ = ۴۰۰ - ۲۰۰$

ب) در سطح قیمت ۱۲۵ تومان، تولیدکنندگان ۴۰۰ کیلو از کالا را تولید و عرضه می‌کنند، در حالی که تقاضاکنندگان تنها برای ۲۰۰ کیلو از کالا تقاضا دارند، در نتیجه در این سطح قیمت درآمد تولیدکنندگان برابر خواهد بود با:

هزار تومان  $۲۵ = ۱۲۵ \times ۲۰۰$

ج)

تومان  $۵۰۰۰ = ۵۰ \times ۱۰۰ =$  حداکثر درآمد تولیدکننده در قیمت ۵۰ تومان

تومان  $۳۰۰۰۰ = ۳۰۰ \times ۱۰۰ =$  حداکثر درآمد تولیدکننده در نقطه تعادلی

بنابراین حداکثر درآمد تولیدکننده به میزان ۲۵ هزار تومان افزایش خواهد یافت. هزار تومان  $۲۵ = ۳۰۰۰۰ - ۵۰۰۰ =$

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۷)

۱۱۰-

(سارا شریفی)

الف) مزایده، ب) انحصاری، ج) رقابتی، د) انحصاری، ه) انحصاری، و) رقابتی، ی) رقابتی، ز) مناقصه

(اقتصاد، بازار، صفحه ۳۸)

### علوم و فنون ادبی (۳)

۱۱۱-

(فرهاد علی‌نژاد)

تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران نوشته محمدتقی بهار است. ناظم‌الاسلام کرمانی نویسنده «تاریخ بیداری ایرانیان» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۳ و ۱۶ تا ۲۰)

۱۱۲-

(فرهاد علی‌نژاد)

میرزا حبیب اصفهانی کتاب جیمز موریه را تحت عنوان «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» ترجمه کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۱۱۳-

(فرهاد علی‌نژاد)

#### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تحقیقات ادبی و تاریخی در این دوره رواج چندانی نداشت؛ زیرا اکثر اهل قلم به روزنامه‌نویسی و موضوعات دیگر مشغول بودند.

گزینه «۲»: نمایشنامه‌نویسی نوع ادبی جدیدی در ایران به شمار می‌رود و در ادب کهن سابقه‌ای ندارد.

گزینه «۳»: مجله «بهار» که نشریه‌ای ادبی محسوب می‌شد، در سال‌های مشروطه به دست میرزا یوسف‌خان اعتصامی آشتیانی (پدر پروین اعتصامی) منتشر می‌شد. ملک‌الشعرا دو مجله «دانشکده» و «نوبهار» را مدیریت می‌کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۱)

۱۱۴-

(عمیر مفرئی)

وزن بیت نخست «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» و وزن بیت دوم «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۱۱۵-

(معبود مهری)

گل در بَر می در کَفُ مَع شو ق ب کا مَسْت  
- - U U - - U U -  
بر بخت بَخَن دی دُم بر خُد ب گ رس تم  
وزن مصراع صورت سؤال و این گزینه، هر دو «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون» است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۶)

۱۱۶-

(سید علیرضا احمدی)

این بیت به دو صورت «مفعول فاعلات مفاعیلن» و «مستفعلن مفاعل مستفعلن» قابل تقسیم‌بندی هجایی است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۱۱۷-

(معبود مهری)

ما مر کَب زین رخ ن جَ هان دی م گ دش تیم  
- - U U - - U U -  
وزن این مصراع «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون» است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

۱۱۸-

(معبود مهری)

نَ خان دِ بو ی کَ لا اید اَ گر ب لُجَل وَ لَ من  
- - U U - - U U -  
ز نا ز کی ب دِ لم بار می شَ وُد چ کُ نم  
وزن بیت «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن» است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۱۹-

(سیدعلیرضا احمدی)

مصراع نخست دو هجای کشیده (حسن و سوخ) و مصراع دوم یک هجای کشیده (ال) دارند.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: صامت «ی» در واژه «ای» و مصوت «ی» در واژه «بسوختیم» مشاهده می‌شود.

گزینه «۲»: وزن هر دو شعر «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است.

گزینه «۳»: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» = «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل»  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۲۰-

(ممن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط «بی‌قراری و غمگین بودن شاعر از غم دوری معشوق» است.

مفهوم بیت گزینه «۳»: اگرچه معشوق از نظر غایب است اما در دل عاشق جای دارد.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۲۶)

۱۲۱-

(کتاب آبی)

تأثیر جنگ‌های نافرجام ایران و روس و توجه مردم به واقعیت‌ها و امکانات فنی دوران جدید و رواج صنعت چاپ و روزنامه‌نویسی و ترجمه و نشر کتاب‌های غربی، از دیگر عواملی بود که غیر از موارد گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» در بیداری جامعه این دوره تأثیر داشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۳)

۱۲۲-

(کتاب آبی)

میرزا محمدصادق امیری فراهانی از جانب مظفرالدین‌شاه به ادیب‌الممالک ملقب شد و فعالیت اصلی‌اش روزنامه‌نگاری بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۶)

۱۲۳-

(کتاب آبی)

از میان گزاره‌های صورت سؤال، چهار مورد درست و دو مورد نادرست است. موارد نادرست:

ت) شعر «ای قلم» از نمونه‌های اشعار انتقادی سید اشرف‌الدین گیلانی است.  
ج) میرزا محمدصادق امیری در قصیده بیشتر از قالب‌های دیگر طبع آزمایی کرده است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۲۴-

(کتاب آبی)

قبل از قائم‌مقام، سبک نویسندگان فارسی با تکلف و تصنع همراه بود. او با تغییر سبک نگارش، تکلف را از بین برد و مسائل عصر را با زبان و اصطلاحات رایج و آمیخته به شعر و ضرب‌المثل‌های لطیف به سبک گلستان سعدی نوشت و موجب اقبال عامه به نثر گردید. او احیاکننده نثر فارسی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۲۰)

۱۲۵-

(کتاب آبی)

چَل	و	کُ	نَان	مِی	رَ	وِی	یُ
-	U	U	-	-	U	-	U
سِر	و	نَ	دِی	دَم	بَ	دِیْن	صَ
مفتعلن				فاعلات			

بَا	ز	م	یَا	بِی
-	U	-	-	-
فَت	مُ	تَ	مَا	یَل
مفتعلن		فَع		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۴)

۱۲۶-

(کتاب آبی)

کَس	نِی	سِت	کِ	ءُف	تَا	دِ	ی
-	-	U	U	-	-	U	U
دِر	رِه	گُ	نُ	ر	کِی	سِت	کِ
مستفعلن				مستفعلن			

آن	زَل	فِ	دُ	تَا	نِیست
-	-	U	U	-	-
دَا	مِی	ز	بَ	لَا	نِیست
مستفعلن			مستفعلن		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۶)

۱۲۷-

(کتاب آبی)

مِی	وَ	زِد	عَز	چَ	مَن	نَ	سِی
-	U	-	-	U	-	U	-
هَلَن	بَ	نُو	شِی	د	دَم	بَ	دَم
فاعلاتن (فاعلاتن)				مفاعیلن			

م	بَ	هَسْت
U	U	-
مَ	ی	نَاب
فَعْلَن		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۵)

۱۲۸-

(کتاب آبی)

بیت گزینه «۳» بر وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع» با پایه‌های آوایی ناهمسان است؛ در حالی که ابیات سایر گزینه‌ها از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده‌اند.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: مفتعلن مفتعلن فاعلن

گزینه «۲»: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

گزینه «۴»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۴)

۱۲۹-

(کتاب آبی)

با	غ	ب	هش	ت	سا	ی
-	ک	U	-	U	-	U
با	خا	ک	کو	ی	دو	ست

ی	طو	با	و	قص	ر	حور
U	-	-	U	-	U	-
ب	را	بر	ن	می	ک	نم

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۳۰-

(کتاب آبی)

وزن مصراع گزینه «۲»، «فعولن فعولن فعولن فعولن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۵)

**علوم و فنون ادبی (۱)**

۱۳۱-

(اعظم نوری نیا)

آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی از آغاز قرن چهارم معمول گردید و در این باب، قطعه‌های کوتاهی سروده شد اما کسی که قصیده تمام و کمال در این موضوع سرود، کسایی مروزی بود؛ سپس ناصر خسرو شیوه او را ادامه داد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه ۴۳)

۱۳۲-

(فرهار علی نژاد)

ترجمه فارسی و عربی برخی از آثار زبان پهلوی (مانند «کلیله و دمنه») موجود است اما این ترجمه‌ها هم دچار تغییرات فراوان شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

۱۳۳-

(فرهار علی نژاد)

اصل تفسیر طبری را محمد بن جریر طبری به زبان عربی نوشته است؛ اما جمعی از دانشمندان آن زمان، این کتاب را به فارسی برگرداندند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه ۴۴)

۱۳۴-

(فرهار علی نژاد)

بیت این گزینه از سعدی است:

نشاید که خوبان به صحرا روند / همه کس شناسند و هر جا روند

حلاست رفتن به صحرا ولیک / نه انصاف باشد که بی ما روند

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۵، ۵۰ و ۵۱)

۱۳۵-

(همید مهری)

**سجع در سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «سیرت» و «طریقت»: سجع مطرف

گزینه «۲»: «حاجت» و «شامل»: سجع متوازن

گزینه «۴»: «حلیت» و «زینت»: سجع متوازی

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع لفظی، صفحه ۵۲)

۱۳۶-

(مسن خدایی - شیراز)

گزینه «۱»: «بیسته» و «شکسته» سجع مطرف هستند.

**آرایه سجع در سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: «بنشستم» و «پیوستم»: سجع متوازی

گزینه «۳»: «گمارد» و «برآرد»: سجع متوازی

گزینه «۴»: «بمیرند» و «بگیرند»: سجع متوازی

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع لفظی، صفحه ۵۳)

۱۳۷-

(همید مهری)

بیت «ب»: «دنیا» و «عقبی»: سجع متوازی

بیت «د»: «او» و «بو»: سجع متوازی

**تشریح سایر ابیات:**

بیت «الف»: فاقد سجع

بیت «ج»: «گران» و «غافلان»: سجع مطرف

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع لفظی، صفحه ۵۳)

۱۳۸-

(سید علیرضا امیری)

«فتنه» نهاد و مطابق الگوی «صامت + صامت + صامت + صامت» است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: پشیمانی: ص + م + ص + م + ص + م + ص + م + ص + م

گزینه «۳»: من: ص + م + ص

گزینه «۴»: کس: ص + م + ص

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۴۸)

۱۳۹-

(همید مهری)

ب	خ	دا	ا	گر	ب	می	رم	ک	د	از	ت	بر	ن	گی	رم	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	
ب	ز	ای	ط	ابی	ب	مز	س	ر	ک	د	وا	ن	می	پ	ذی	رم

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۰)

۱۴۰-

(همید مهری)

م	گی	ری	د	عی	بم	ک	در	بن	د	او	بم
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۹ و ۵۱)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۴۱-

(ولی بری - ابهر)  
«لیت»: کاش / «هؤلاء النساء»: این زن‌ها / «تخلصن»: رهایی می‌یافتند، رهایی یافته بودند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «من أفتکار»: از افکاری / «تتمعن»: که آن‌ها را باز می‌داشت (ماضی + مضارع = ماضی استمراری) (رد سایر گزینه‌ها) / «الوصول إلى الغایات»: رسیدن به هدف‌ها (رد گزینه ۱)

نکته مهم درسی:

فعل ماضی پس از «لیت»، به صورت «ماضی استمراری یا بعید» ترجمه می‌شود. (عربی (۳)، ترجمه، ترکیبی)

۱۴۲-

(سید ممدعلی مرتضوی)  
«لم تكن لـ»: «لـ» در اول جمله معمولاً معنای «مالکیت» دارد. نداشته‌اند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «بعض الطلاب»: برخی از دانش‌آموزان / «طریقه»: راهی / «تعلّم التروس»: برای یادگرفتن درس‌ها (رد گزینه ۴) / «تکلموا»: صحبت کردند (رد گزینه ۱) / «مع المستشار التعليمی»: با مشاور آموزشی / «تعرفوا»: آشنا شدند (رد سایر گزینه‌ها) / «طرق جدیدة نافعة»: راه‌هایی تازه و سودبخش (عربی (۱)، ترجمه، ترکیبی)

۱۴۳-

(سید ممدعلی مرتضوی)  
تشریح گزینه های دیگر:  
گزینه «۲»: «ألا نعد» یعنی «که وعده ندهیم». ترجمه صحیح عبارت: «پدر ما را نصیحت می‌کند که وعده‌ای ندهیم که نمی‌توانیم بدان وفا کنیم!»  
گزینه «۳»: «ترضی» از باب افعال، مصدر «ارضاء» و به معنای «راضی می‌کنی» است. ترجمه صحیح عبارت: «آیا تلاش می‌کنی همه مردم را راضی کنی؟! تو زیانکار هستی!»

گزینه «۴»: «لا قيمة له» دارای «لا» نفی جنس است و ترجمه آن به صورت «هیچ ارزشی ندارد» درست است. ترجمه صحیح عبارت: «کاش مردم به آنچه که هیچ ارزشی ندارد، افتخار نکنند!»

(عربی (۳)، ترجمه، ترکیبی)

۱۴۴-

(ابراهیم احمدی - بوشهر)  
«مزدوران»: العَمَلَاء (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «کسانی هستند که»: مَن / «برای پراننده ساختن»: لتفريق (رد گزینه ۲) / «مسلمانان»: المسلمین / «همواره»: دائماً (رد گزینه ۴) / «تلاش می‌کنند»: یجتهدون (رد گزینه ۴) (عربی (۱)، ترجمه، ترکیبی)

۱۴۵-

(الله مسیح فواه)  
«تنتقل» و «آخر» نادرست هستند و باید به صورت «تنتقل» و «آخر» بیایند. «تنتقل» فعل مضارع از باب افتعال است و بر وزن «تفتعل» می‌آید. (عربی (۱)، ضبط حرکات، ترکیبی)

۱۴۶-

(نویز امساکلی)  
تشریح گزینه های دیگر:  
گزینه «۱»: «مجرد ثلاثی» نادرست است. «لا تطعموا» فعل مزید ثلاثی از باب افعال است.  
گزینه «۳»: «انفتاح» از باب انفعال است؛ ماضی آن بر وزن «انفعل» و مضارع آن بر وزن «ینفعل» است.  
گزینه «۴»: «تعرف» از باب تفعّل است؛ ماضی آن «تعرف» و مضارع آن «یتعرف» است و دو حرف زائد هم دارد. (عربی (۳)، تحلیل صرفی، ترکیبی)

۱۴۷-

(سید ممدعلی مرتضوی)  
«مخصوص» (محکم، استوار)؛ در گزینه «۲» آمده: «صفتی برای چیزی است که بنیانش محکم شده باشد!»

(عربی (۳)، مفهوم و واژگان، صفحه ۸)

۱۴۸-

(ولی بری - ابهر)  
در گزینه «۴»، مفهوم و معنای تشبیه وجود ندارد و «إنما» (إن + ما) به معنی «فقط» است.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: حرف «ک» به معنای «مانند، مثل» است.

گزینه «۲»: «كأن» به معنای «گویی» و ادات تشبیه است.

گزینه «۳»: «مثل» به معنای تشبیه است.

(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۴۹-

(ابراهیم احمدی - بوشهر)  
در این گزینه، از حرف «إن» استفاده شده است و نشان‌دهنده تأکید در جمله و وقوع حتمی فعل است.

دقت کنید با توجه به ساختار جمله، چون بعد از «إن» اسم آمده است، نمی‌تواند ادات شرط باشد.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: «لعل» به معنای «شاید» است و معنای حتمی ندارد.

گزینه «۲»: «لیت» به معنای «کاش» است و معنای حتمی ندارد.

گزینه «۴»: با توجه به آن که بعد از «إن»، یک فعل و سپس جواب آن آمده است، نتیجه می‌گیریم که ادات شرط داریم. در اسلوب شرط هم وقوع فعل، مشروط است و حتمی نیست.

(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۵۰-

(ولی بری - ابهر)  
در گزینه «۱»، «لا» برای نفی فعل مضارع است، نه نفی. (دقت کنید حرف نون از آخر فعل «تفشلون»، به دلیل وجود «حتی» حذف شده است.)

ترجمه عبارت: «بسیار بکوشید تا در دستیابی به اهداف خود شکست نخورید!»

(عربی (۳)، انواع هملات، صفحه ۹)

تاریخ (۳)

۱۵۱-

(ملیحه گریبی)  
عده‌ای از تاریخ‌نگاران سنتی، بیشتر به ثبت وقایع شاهان و امور آن‌ها همت داشتند. آن‌ها آثار خود را غالباً با خصوصیات ادبی تألیف می‌کردند و در این میان، گاه با زبان تملق و مدح شاهان سخن گفته و بیش از آن که مورخ حقیقت باشند، کاتب دربار بودند. سبک نگارش نیز در بسیاری موارد سخت است و تحلیل و تفسیر، کمتر در این آثار به چشم می‌خورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری، صفحه ۲)

۱۵۲-

(ملیحه گریبی)  
محمدحسن خان اعتمادالسلطنه اگرچه تاریخ‌نویسی درباری بود، اما گام‌های بلندی در حوزه تاریخ‌نویسی عصر قاجار برداشت و سعی کرد آثار خود را تا حدودی از پرده‌پوشی‌ها و مداحی‌های رایج مورخان رسمی دور سازد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری، صفحه ۵)

۱۶۲- (فاطمه سفایی)  
برخی از تفاوت‌های شهر و روستا عبارت‌اند از:  
- فعالیت اقتصادی: در روستا، درصد بیشتری از جمعیت فعال، در بخش کشاورزی (زراعت، صید و شکار و...) فعالیت می‌کنند.  
- وسعت و فضای سکونت و فعالیت: در شهرها، فعالیت‌های متنوع در فضاهای محدودتری متمرکز شده‌اند.  
- فرهنگ و مناسبات اجتماعی: در شهرها نوگرایی بیشتر و تغییرات اجتماعی سریع‌تر است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۶)

۱۶۳- (فاطمه سفایی)  
سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها یعنی رتبه‌بندی آن‌ها برحسب اهمیت؛ برای این منظور، سکونتگاه‌ها را بر اساس میزان جمعیت و عملکرد (خدماتی که ارائه می‌کنند) طبقه‌بندی می‌کنند. سکونتگاه‌های کوچک یا کم‌جمعیت معمولاً خدمات محدودی به ساکنان ارائه می‌دهند؛ اما در سکونتگاه‌های بزرگ‌تر، تعداد و تنوع خدمات بسیار زیاد است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۷)

۱۶۴- (فاطمه سفایی)  
معیار و تعریف شهر کوچک و بزرگ و میزان جمعیت آن در کشورهای مختلف فرق می‌کند. پس از طراحی معیارهای رتبه‌بندی، تعداد شهرها یا روستاهایی که در هر طبقه وجود دارند، در جدول قرار می‌گیرد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۸)

۱۶۵- (فاطمه سفایی)  
منظور از اصطلاح شهرنشینی، افزایش نسبت جمعیت شهرهای یک کشور یا ناحیه به روستاهای آن است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۰)

۱۶۶- (محمدر علی قطیبی باگی)  
با افزایش شهرنشینی و گسترش حمل‌ونقل و وسایل ارتباطی، به‌تدریج حومه‌ها در اطراف شهرها شکل گرفتند.  
معمولاً به مادرشهر (متروپل) کلان‌شهر نیز گفته می‌شود. برخی نیز معتقدند کلان‌شهر معادل واژه انگلیسی مگاسیتی است و به شهرهایی با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت اطلاق می‌شود. در ایران به مادرشهرهایی که بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت دارند، کلان‌شهر گفته می‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۱۶۷- (فاطمه سفایی)  
در برخی از بخش‌های جهان، در نتیجه گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها پدید آمده‌اند که به آن‌ها مگالوپلیس گفته می‌شود.  
از مهم‌ترین ویژگی‌های مگالوپلیس عبارت‌اند از: تمرکز و انبوهی جمعیت شهری، تمرکز مؤسسات مالی و پولی، تمرکز صنایع دانش‌بنیان و فراوانی آمدوشد بین مادرشهرهای هم‌جوار.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۴)

۱۵۳- (علی‌محمدر کریمی)  
ناظم‌الاسلام کرمانی نویسنده کتاب تاریخ بیداری ایرانیان ضمن توجه به مردم، نقش طبقات اجتماعی مختلف را در انقلاب مشروطیت نشان داده است.  
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری، صفحه ۶)

۱۵۴- (علی‌محمدر کریمی)  
اولین روزنامه ایران را میرزا صالح شیرازی، یکی از دانشجویان اعزامی به انگلستان با عنوان کاغذ اخبار در تهران منتشر کرد.  
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری، صفحه ۱۲)

۱۵۵- (علی‌محمدر کریمی)  
از ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه سفرنامه‌های متعددی به‌جا مانده است.  
(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری، صفحه ۹)

۱۵۶- (میلاد هوشیار)  
افغان‌ها به دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری، نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند.  
(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۱۶)

۱۵۷- (میلاد باغ‌شیفی)  
مهم‌ترین شرایط پذیرفتن سلطنت در شورای دشت مغان عبارت بودند از: موروثی شدن سلطنت در خاندان او، حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی و حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی  
(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۱۷)

۱۵۸- (میلاد هوشیار)  
کریم‌خان بر خلاف نادرشاه افشار از ادامه لشکرکشی و جنگ برای در اختیار گرفتن سایر مناطق ایران دست کشید و همین امر، موجبات رونق و آبادانی قلمرو او به ویژه شیراز، پایتخت زندیان را فراهم آورد.  
(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۱۹)

۱۵۹- (میلاد باغ‌شیفی)  
در دوره کریم‌خان زند اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.  
(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۲۲)

۱۶۰- (میلاد هوشیار)  
سازمان اداری و دیوانی ایران در عصر افشاریه و زندیه تا حدودی به سبب حاکمیت عناصر ایلی، غلبه تفکر نظامی‌گری، بی‌ثباتی سیاسی و کوتاه بودن دوران استقرار سلسله‌های مذکور، اعتبار و قوت سابق را نداشت.  
(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۲۱)

### جغرافیا (۳)

۱۶۱- (محمدر علی قطیبی باگی)  
هسته اولیه روستای هولوکو، قلعه‌ای است که برای دفاع از حمله مغول‌ها ساخته شده است. هسته اولیه مکانی است که مردم برحسب نیاز، آن را برای زندگی انتخاب کرده‌اند و سکونتگاه از آنجا گسترش یافته است.  
نکته: در انتخاب مکان برای استقرار و سکونت جمعیت، عوامل «طبیعی» بیشترین نقش را داشته‌اند. گزینه‌های «۱» و «۴» بیانگر موقعیت سکونتگاه است.  
(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۷۶- (میلاد باغ شیفی)

برخی از عوامل مؤثر در سقوط ساسانیان عبارتند از:  
۱- ضعف قدرت سیاسی پادشاهان ساسانی به علت اختلاف و درگیری پیاپی با اشراف و بزرگان؛  
۲- شورش مکرر فرماندهان نظامی و دخالت آنان در کشمکش‌های سیاسی؛  
۳- نارضایتی توده مردم از حکومت ساسانی به سبب وجود تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و عدم مقاومت جدی آنان در برابر اعراب؛  
۴- کاهش توان اقتصادی حکومت ساسانی به سبب طغیان رودخانه‌های دجله و فرات، شکسته شدن سدها و به زیر آب رفتن زمین‌های حاصلخیز آسروستان (بین‌النهرین)؛  
۵- پیام جذاب دین اسلام که جهانیان را به پرستش خدای یگانه و برابری برادری فرا می‌خواند؛  
۶- انگیزه و روحیه قوی اعراب مسلمان.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۸)

۱۷۷- (میلاد هوشیار)

خسرو انوشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال حبشیان که از سوی امپراتوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می‌شدند، نجات داد و باب‌المندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۷)

۱۷۸- (میلاد هوشیار)

در دوران فرمانروایی ساسانیان، همگام با توسعه شهرنشینی، صنعت نیز رشد کرد و کیفیت کالاهای تولیدی بهتر شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۳۴)

۱۷۹- (میلاد هوشیار)

از جمله مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب‌های اعتقادی دوره ساسانیان باید از دینکرد نام برد که دانشنامه‌ای مشتمل بر عقاید زرتشتی است.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۳۴)

۱۸۰- (میلاد باغ شیفی)

در دوره ساسانیان آتشکده‌های بسیاری در شهرها و روستاهای ایران ساخته شد. از جمله آن‌ها آتشکده آذربرزین مهر در خراسان، مخصوص کشاورزان، آذرگنسب در آذربایجان، ویژه شاهان و آذر فرنیخ در فارس، خاص موبدان بود.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۳۴)

### جغرافیای ایران

۱۸۱- (فاطمه سفایی)

$100 \times \frac{\text{میزان مرگومیر-میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}}$  = رشد طبیعی جمعیت

طبق این فرمول، رشد طبیعی جمعیت این کشور، ۰/۸ درصد است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۳)

۱۸۲- (فاطمه سفایی)

اطلاع از میزان رشد جمعیت، پایه محاسبه فرمول دوبرابرشدن جمعیت است. زمان به‌دست‌آمده سبب می‌شود تا برای آینده، پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۴)

۱۶۸- (فاطمه سفایی)

یکی از عوامل دافعه جمعیت از روستاها به‌سوی شهرها، استفاده از ماشین‌آلات به‌جای انسان است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۶)

۱۶۹- (فاطمه سفایی)

در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی به‌دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد. این مهاجرت تدریجی و طولانی‌مدت بوده و همگام با تحولات صنعتی شدن صورت گرفته است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۷۰- (علیرضا رضایی)

تشریح عبارت‌های نادرست:

(ب) با افزایش درآمدهای نفتی، تجهیزات و کارخانه‌ها به شهرها تخصیص یافت.  
(د) انهدام کشاورزی معلول طرح اصلاحات ارضی است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

### تاریخ (۱)

۱۷۱- (ملیحه کریمی)

با گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در دوره قاجاریه، اروپاییان بیشتری به عنوان جهانگرد، بازرگان، سفیر، باستان‌شناس و ... به کشور ایران آمدند و روزبه‌روز بر تعداد بازدیدکنندگان خارجی از آثار و مکان‌های تاریخی ایران افزوده شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۴)

۱۷۲- (علی‌مهمد کریمی)

سنگ‌نوشته شاپور یکم در کعبه زرتشت در نقش رستم فارس شرح جنگ‌های این پادشاه با رومیان را بازگو می‌کند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۸)

۱۷۳- (ملیحه کریمی)

اشیا و ظروف سنگ صابونی، یکی دیگر از مصنوعات است که توسط مردم برخی از سکونتگاه‌های کهن به ویژه جیرفت و تپه یحیی در استان کرمان با مهارت و ظرافت تمام ساخته می‌شد. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های مذکور از مراکز عمده تولید و صدور سنگ صابون به مناطق دور و نزدیک بوده‌اند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۷۴)

۱۷۴- (علی‌مهمد کریمی)

حکومت ایلام سرانجام پس از قرن‌ها سلطنت، بر اثر یورش ویرانگر آشوریان در قرن ۷ ق.م دچار انحطاط و فروپاشی شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۷۷)

۱۷۵- (میلاد باغ شیفی)

داریوش بزرگ پس از فرونشاندن شورش‌های داخلی و برقراری امنیت در سرتاسر قلمرو شاهنشاهی، به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دور دستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکر کشید.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۵)

**جامعه‌شناسی (۳)**

۱۹۱- (مبیتاسارات تاپیک)  
گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» در رابطه با نمودار صورت سؤال و دیدگاه دوم در ارتباط با تعامل دانش علمی و عمومی درست هستند.

اما گزینه «۳» مربوط به دیدگاه سوم است که بیان می‌کند دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های فراتجربی را نیز شامل می‌شود. (جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۸)

۱۹۲- (مبیتاسارات تاپیک)  
- در داستان فیلم سینمایی دورافتاده ما به اهمیت دانش عمومی پی می‌بریم.  
- ما درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می‌کنیم. (جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۳ و ۴)

۱۹۳- (مبیتاسارات تاپیک)  
دانش علمی با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید.  
بررسی گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: ص - ص  
گزینه «۲»: غ - غ  
گزینه «۳»: ص - ص  
گزینه «۴»: غ - ص

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۳ تا ۵)

۱۹۴- (مبیتاسارات تاپیک)  
- همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، مشکلات و مسائل زندگی اجتماعی را می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند.  
- در هنگام تعارض در ذخیره دانشی جوامع، دانش عمومی به طور همه‌جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند. (جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۹۵- (مبیتاسارات تاپیک)  
در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای موضوع، بر روش علوم تأکید کردند. (جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۷)

۱۹۶- (آزیتا پیرقی)  
از فعالیت‌های غیرارادی انسان بحث نمی‌کند ← علوم انسانی و علوم اجتماعی ساختار اجتماعی را مطالعه می‌کند ← جامعه‌شناسی کلان  
اشتراک موضوع روان‌شناسی اجتماعی و مدیریت ← پدیده‌های اجتماعی شناخت آن بدون فهم معنا و هدف آن، ممکن نیست ← کنش انسانی (جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، ۱۱، ۱۲، ۱۵ و ۱۶)

۱۹۷- (آزیتا پیرقی)  
فناوری ← ج ← بر زندگی بشر سیطره یافته است.  
انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها ← ب ← فایده علوم انسانی و علوم اجتماعی  
نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی ← د ← فلسفه جامعه‌شناسی ← الف ← بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی دارای رویکردهای مختلفی است. (جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۸۳- (علیرضا رضایی)  
مطابق هرم سنی ایران در سال ۱۳۹۵، گروه سنی بزرگسالان (۳۰ تا ۵۹ سال) بیشترین سهم را در میان گروه‌های عمده سنی کشور داشته است. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۵)

۱۸۴- (فاطمه سفایی)  
در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۱)

۱۸۵- (علیرضا رضایی)  
از بین عوامل شکل‌دهنده سکونتگاه‌های روستایی و شهری، آب بیشترین اهمیت را در شکل‌گیری سکونتگاه‌های ایران داشته است. افزایش جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی، زمینه‌ساز ایجاد شهرهای اولیه شد. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۶)

۱۸۶- (فاطمه سفایی)  
سکونتگاه‌های شهری شکل‌های گوناگون دارند. شهرها با توجه به چگونگی پیدایش و کارکردهای مختلف خود، شکل‌های متفاوت دارند. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۸۱)

۱۸۷- (فاطمه سفایی)  
در سه دهه اخیر، ایران شاهد تغییرات زیادی در جمعیت و ظاهر سکونتگاه‌های خود بوده است. این تغییرات در شیوه زندگی اجتماعی اقتصادی آنان هم اثر داشته است. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۸۲)

۱۸۸- (علیرضا رضایی)  
اراک: صنعتی  
کیش: بازرگانی، تفریحی  
انزلی: بندری  
تهران: اداری سیاسی، دانشگاهی (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۸۳ و ۸۵)

۱۸۹- (علیرضا رضایی)  
ایران برای تولیدات باغی از مزیت‌های زیادی برخوردار است؛ زیرا امکان کشت انواع گوناگون میوه‌های سردسیری، نیمه‌گرمسیری و گرمسیری را دارد. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۸۸)

۱۹۰- (فاطمه سفایی)  
اگر در استفاده از منابع طبیعی، ویژگی‌ها و توان محیطی آن منطقه بررسی شود، همه مناطق کشور می‌توانند متناسب با امکان‌های طبیعی و انسانی خود توسعه یابند. (جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۹۳)

۲۰۵- (آزیتا بیدرقی)  
جهان‌های اجتماعی با حفظ هویت خود نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند، جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. (این عبارت، مربوط به نمودار عرضی در بررسی سرنوشت جوامع است)  
در دیدگاه تک‌خطی جهان اجتماعی هویت خود را از دست می‌دهد.  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۲۰۶- (آزیتا بیدرقی)  
شکل‌گیری جهان‌های اجتماعی مختلف پیامد تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها است.  
زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد. این موضوع، پیامد به خدمت گرفتن لایه‌های سطحی جامعه جاهلی توسط فرهنگ اسلام است.  
انتقاد از خودمداری فرهنگ غرب از سوی مردم‌شناسان، پیامد بی‌بردن به پیچیدگی و عمق فرهنگ‌های غیرغربی از سوی آنان است.  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۴)

۲۰۷- (آزیتا بیدرقی)  
علت ساختن جهان اجتماعی جدید ← گسترش آگاهی و اراده نوین  
علت قدرت پیش‌بینی و پیشگیری مسائل طبیعی ← گسترش عقلانیت ابزاری  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۰ و ۳۴)

۲۰۸- (ارغوان عبدالملکی)  
تشریح موارد نادرست:  
- تمامی پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده‌های اجتماعی، بُعد محسوس و عینی ندارند.  
- وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، نهادهای اجتماعی آشکار می‌شوند.  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۲۵، ۲۶ و ۲۸)

۲۰۹- (ارغوان عبدالملکی)  
وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آن‌ها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو، یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.  
شک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه‌جزیره عربستان بود.  
توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است. با ظهور اسلام، عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت.  
در فرهنگ سکولار یا دنیوی، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافع که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود.  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۲، ۳۳ و ۳۴)

۱۹۸- (آزیتا بیدرقی)  
افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها پیامد فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر است.  
آگاهانه و ارادی بودن کنش انسان‌ها علت پیچیده‌تر بودن پیش‌بینی در علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی است.  
موضوع فلسفه اصل وجود است یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد.  
(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۱۹۹- (آزیتا بیدرقی)  
اشتراک جامعه‌شناسی خرد و کلان ← مطالعه پدیده اجتماعی  
تفاوت علوم ← موضوع  
منشأ علوم انتقادی و علوم تفهیمی ← علوم انسانی  
ملاک خانواده‌ها برای ارزیابی رشته‌های تحصیلی ← آینده شغلی  
(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۲۰۰- (آزیتا بیدرقی)  
رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت، فایده علوم اجتماعی نیست، بلکه از فواید علوم طبیعی است.  
(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷)

### جامعه‌شناسی (۱)

۲۰۱- (مبیناسارات تاپیک)  
هدیه دادن ← خرد و عینی  
تصور صلح جهانی ← ذهنی و کلان  
مراقبت از اموال عمومی ← عینی و کلان  
علاقه به غذای خاص ← خرد و ذهنی  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۲۰۲- (مبیناسارات تاپیک)  
نماد ← دفتر، قلم، دانش‌آموز و کلاس و ...  
عقاید ← انسان تربیت‌پذیر است.  
ارزش ← دانایی بهتر از نادانی است.  
هتجار ← برای دانا شدن باید به مدرسه رفت.  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه ۲۹)

۲۰۳- (مبیناسارات تاپیک)  
**تشریح گزینه‌ها:**  
گزینه «۱»: درست - درست  
گزینه «۲»: درست - درست  
گزینه «۳»: درست - نادرست (اگر لایه‌های بنیادین حذف شوند، جهان اجتماعی فرومی‌ریزد).  
گزینه «۴»: درست - درست  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه ۲۷)

۲۰۴- (آزیتا بیدرقی)  
رشد یا افول اقتصاد ← تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی  
ضرب‌المثل «همه راه‌ها به رم ختم می‌شوند» ← دیدگاه تک‌خطی  
معنای استعمار برای انسان امروزی ← استثمار  
(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۳، ۳۴ و ۳۶)

۲۱۰-

(ارغوان عبدالملکی)

جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق‌طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می‌شود. جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد.

(پایه‌شناسی (۱)، پیمان اجتماعی، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۵)

فلسفه دوازدهم

۲۱۱-

(نیمیا پواهری)

وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف (در ذهن) و متفاوت از یک موجود واحد است (در خارج مصداق و مابهازای آن‌ها یک چیز یکسان است. این‌ها دو جزء از یک چیز نیستند).

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه ۴)

۲۱۲-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

از نظر ابن‌سینا همه موجودات غیرمرکب و واحد هستند، بنابراین از نظر فلسفی غیرقابل تفکیک هستند.

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه ۴)

۲۱۳-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

حمل راه رونده بر حیوان ضروری نیست و نیازمند دلیل است.

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه ۵)

۲۱۴-

(نیمیا پواهری)

در عبارت «انسان حیوان ناطق است» «حیوان ناطق» محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده و در حقیقت «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان است و همان چپستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می‌باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به عبارت دیگر، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. (گزینه ۴ نادرست است)

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه ۵)

۲۱۵-

(نیمیا پواهری)

هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل اولی ذاتی است و هرگاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل شایع صنعتی است.

توجه: در حمل شایع صنعتی دو مفهوم اتحاد مصداقی دارند اما اتحاد مفهومی نه. اما در حمل اولی ذاتی دو مفهوم هم اتحاد مصداقی دارند و هم اتحاد مفهومی (مانند گزینه ۴).

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه ۵)

۲۱۶-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

توماس آکوئیناس بیشتر متأثر از رویکرد عقلی ابن‌سینا بود، رویکردی که از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه‌گرایی فرصت رشد و گسترش پیدا نکرد.

(فلسفه (۲)، هستی و هستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۲۱۷-

(نیمیا پواهری)

در قضیه «متوازی‌الاضلاع چهار ضلع دارد» و «لوزی شکل متساوی‌الاضلاع است» رابطه ضروری است چون محمول بیانگر ذاتیات شیء است. در قضیه «انسان وجود دارد» رابطه امکانی است چون انسان ممکن‌الوجود است. در قضیه «ساکن روان وجود دارد» رابطه امتناعی است چون ساکن روان یک تناقض است و امکان وجودیافتن ندارد.

(فلسفه (۲)، پیمان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۲۱۸-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

«روح فناپذیر وجود دارد»، امکانی است ولی بقیه گزینه‌ها رابطه امتناعی است.

(فلسفه (۲)، پیمان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۱)

۲۱۹-

(نیمیا پواهری)

واجب‌الوجود بالذات تنها خداوند است. واجب‌الوجود موجودی است که عدم برای آن تصور نمی‌شود.

توجه شود که وصف گزینه «۳» از اوصاف واجب‌الوجود بالغیر است، نه واجب‌الوجود بالذات. و این‌طور نیست که فقط شریک‌الباری ممتنع‌الوجود باشد. مفاهیم بسیاری چون دایره سه‌ضلعی و ... نیز ممتنع‌الوجود هستند.

(فلسفه (۲)، پیمان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۱)

۲۲۰-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

ماهیتی که موجود است از ناحیه خودش وجودش ضروری نمی‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ماهیت حتماً از ناحیه غیر پا به عرصه وجود می‌گذارد.

گزینه «۲»: ماهیتی که موجود است ممکن بود نباشد.

گزینه «۳»: ماهیتی که موجود است حتماً واجب‌الوجود بالذات نیست.

(فلسفه (۲)، پیمان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۱)

منطق

۲۲۱-

(فرهار قاسمی‌نژاد)

حرف «با» می‌تواند دو معنی داشته باشد. شیرین و فرهاد با هم ازدواج کردند. (باهمدیگر). شیرین و فرهاد با هم ازدواج کردند. (هم‌زمان ازدواج کردند).

گزینه «۳»: با توجه به این‌که در انتهای عبارت این گزینه شواهدی داریم که معنای اصلی کلمه «پیچ» را مشخص می‌کند، مغالطه‌ای نداریم.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۲۲-

(نیمیا پواهری)

برای مثال استدلالی با مقدمات «شیر کلسیم دارد + شیر حیوان جنگل است»، لفظ تکرار شده (شیر) معنای یکسانی ندارد و با نتیجه‌گرفتن از این استدلال مغالطه اشتراک لفظ روی می‌دهد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۲۳-

(نیمیا پواهری)

دلالت این گزینه مطابقی است و سایر گزینه‌ها دلالت تضمینی است.

(منظور از مداد، نوک مداد است، منظور از دست، تمام دست فرد از انگشتان تا شانه نیست و منظور از کتاب صفحات و کاغذهای کتاب است).

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۳۲- (فرهار قاسمی نژاد)  
بخش اصلی به منزله ریشه و اساس فلسفه است و بخش‌های فرعی در حکم شاخه‌ها و ستون‌های آنند.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۳۳- (نیما پواهری)  
سخن از هستی و شناخت به بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه بازمی‌گردد و سایر موارد مربوط به شاخه‌های فلسفه هستند.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

۲۳۴- (نیما پواهری)  
از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فلاسفه می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

۲۳۵- (فرهار قاسمی نژاد)  
آیا انسان می‌تواند هستی را بشناسد به توانایی انسان برای شناخت می‌پردازد و اینکه آیا هستی نامتناهی است به خود هستی می‌پردازد.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

۲۳۶- (نیما پواهری)  
شاخه‌های دانش فلسفه، آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند و قوانین بنیادی (نه خاص) آن محدوده از وجود را بیان می‌کنند.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۴)

۲۳۷- (فرهار قاسمی نژاد)  
کسی که به بعد غیرمادی وجود انسان معتقد هست حتماً قبلاً به بعد مادی انسان قائل بوده البته عکس این مطلب صادق نیست.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۴)

۲۳۸- (فرهار قاسمی نژاد)  
آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۵)

۲۳۹- (نیما پواهری)  
سایر گزینه‌ها بیانگر مفاهیمی عام و مورد قبول همه درباره وجود جامعه و افراد هستند. در حالی که در بحث اصالت فرد یا جامعه ما با شناخت و اوصاف این دو امر سروکار داریم. گزینه «۳» به درستی در حوزه شناخت جامعه یا فرد قرار دارد.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۲۴۰- (نیما پواهری)  
قائل بودن به این‌که جامعه حیثیت مستقل از افراد دارد مربوط به اصالت جامعه است و این بحث در فلسفه علوم اجتماعی بررسی می‌شود.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۲۲۴- (نیما پواهری)  
معمولاً منظور از جا گذاشتن کیف پول به همراه نداشتن پول است، نه معنای مطابقی آن.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۲۵- (فرهار قاسمی نژاد)  
فقط در عباراتی که دلالت التزامی یا تضمینی داشته باشند، امکان بروز مغالطه توسل به معنای ظاهری وجود دارد. در گزینه «۳» سوخت به معنای التزامی به کار رفته است. (خراب شدن)

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۲۶- (فرهار قاسمی نژاد)  
در صورتی که املائی کلمه صحیح باشد در بیان شفاهی همچنان امکان بروز مغالطه هست. (مثلاً سفر و صفر مانند هم تلفظ می‌شوند). ولی اگر علائم سجاوندی دقیق رعایت شود و یا حرکات کلمات درست باشد امکان خطا وجود ندارد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه ۱۶)

۲۲۷- (فرهار قاسمی نژاد)  
در گزینه «۲» مرجع ضمیر در کلمه «بدش و رویش» مشخص نیست.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه ۱۷)

۲۲۸- (نیما پواهری)  
عبارات این گزینه می‌توانند دو معنا بدهد: «تو نادانی و من مانند تو نیستم» و «تو نادان نیستی و من هم این‌گونه هستم»

(منطق، لفظ و معنا، صفحه ۱۷)

۲۲۹- (نیما پواهری)  
«شیرین» در بیت ذکرشده دو معنا دارد و وجود یک عبارت دو معنایی می‌تواند در یک استدلال در خدمت مغالطه‌های ابهام در عبارت یا اشتراک لفظ به کار گرفته شود. «تیشه» به معنای «ضربه تیشه» است و نه خود تیشه و دلالت التزامی دارد و اگر در معنای مطابقی گرفته شود باعث مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌گردد. اما مغالطه نگارشی کلمات روی نداده است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۸)

۲۳۰- (فرهار قاسمی نژاد)  
در گزینه «۴» مرجع ضمیر در کتابش مشخص نیست. کتاب دانش آموز یا کتاب معلم.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷)

### فلسفه یازدهم

۲۳۱- (فرهار قاسمی نژاد)  
گزینه «۱» از دیگر گزاره‌ها اساسی‌تر و بنیادی‌تر است. چون موضوع آن جهان هستی است و در هستی‌شناسی بررسی می‌شود. سایر موارد ارتباط هستی با یک موضوع خاص در شاخه‌های دانش فلسفه هستند.

(فلسفه (۱)، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه ۱۳)

روان‌شناسی

۲۴۱-

کتاب آبري  
ترس از غریبه در ۷ تا ۸ ماهگی و ایستادن مستقل در ۱۱ تا ۱۴ ماهگی رخ می‌دهند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نخستین مستقل (۵ تا ۸ ماهگی) و دو برابر شدن وزن نسبت به زمان تولد (۶ ماهگی)

گزینه «۲»: لیخند اجتماعی (۲ تا ۳ ماهگی) و غلت زدن (۲ تا ۵ ماهگی)  
گزینه «۴»: پردازش ادراکی (دوره کودکی اول، قبل از دبستان) و بازی‌های موزایی (۴ یا ۵ سالگی)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۶ تا ۵۱)

۲۴۲-

مبیناسارات تاپیک  
- منظور از رشد در دوره کودکی، از زمان تولد تا ۱۲-۱۱ سالگی است.  
- وزن نوزاد پس از پایان سال اول ۳ برابر می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

۲۴۳-

موسا عفتی  
براساس رشد اخلاقی و شناختی کودک، دلایل انجام اعمال اخلاقی در دوره‌های سنی مختلف، متفاوت است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۲۴۴-

فرهار علی‌نژاد  
کودکان مهارت بلند شدن از وضعیت نشسته را در بازه ۹ تا ۱۲ ماهگی کسب می‌کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: یازده تا چهارده ماهگی

گزینه «۲»: دوازده تا پانزده ماهگی

گزینه «۴»: هفت تا ده ماهگی

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۷)

۲۴۵-

کوثر دستورانی  
در مثال مطروحه، سعی شده است با عمل و گفتار صحیح از حس تقلید کودک بهره گرفته شود که این موضوع مربوط به هفت سال اول زندگی است؛ یعنی دوره طفولیت و کودکی اول.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۴)

۲۴۶-

کتاب آبري  
دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس هستند؛ هم‌چنین روابط با همسالان مربوط به جنبه اجتماعی رشد و رعایت حقوق دیگران مربوط به جنبه اخلاقی رشد می‌باشد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷ و ۴۰)

۲۴۷-

فرهار علی‌نژاد  
- تفاوت سن متوسط بلوغ جنسی در مناطق مختلف جهان، بستگی به نوع تغذیه، میزان رفاه و فرهنگ دارد که از عوامل محیطی است.

- عدم تفاوت بازه بلوغ جنسی در بین کودکان مناطق مختلف و نیز کودکان زمان‌های مختلف، نشان از لزوم یک آمادگی جسمی (رشد یا همان عامل وراثتی) برای مهیا شدن بلوغ جنسی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۲۴۸-

تصبیه کلانتری  
برخی از جنبه‌های رشدی مثل رفتار اجتماعی و رشد اخلاقی بیشتر تحت تأثیر عوامل محیطی و برخی دیگر مثل رشد جسمانی بیشتر تحت تأثیر عوامل زیستی قرار دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۸)

۲۴۹-

کوثر دستورانی  
برای اخلاق یک فرایند تدریجی و پیچیده طی می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رشد جسمانی

گزینه «۲»: رشد هیجانی

گزینه «۳»: رشد هیجانی

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۶، ۴۹ تا ۵۱)

۲۵۰-

موسا عفتی  
تشریح گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: برخی روان‌شناسان، پایان نوجوانی را زمانی می‌دانند که فرد شروع به کار کند و از والدینش مستقل شود؛ بنابراین به اعتقاد آن‌ها ممکن است امیر، همچنان در دوره نوجوانی باقی مانده باشد.

گزینه «۲»: برخی روان‌شناسان، پایان نوجوانی را زمانی می‌دانند که فرد شروع به کار کند و از والدینش مستقل شود و نظر همه بدین شکل نیست؛ بنابراین به اعتقاد سایرین، ممکن است بهنام، همچنان در دوره نوجوانی باشد.

گزینه «۳»: طبق نظر اسلام، در هفت سال سوم زندگی که تقریباً مصادف دوره نوجوانی است، باید فرد را همچون عضو بزرگ خانواده دانست و مانند دیگران او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داد؛ بنابراین محمد ۱۹ ساله در دوره نوجوانی قرار دارد و نکته‌ای دال بر خارج شدن او از این دوره بیان نشده است.

گزینه «۴»: سعید که سه مرحله رشد انسان را از نظر اسلام به خوبی طی کرده است، در حال حاضر دست کم ۲۲ سال دارد و در دوره جوانی قرار گرفته است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۴)